

دکتر الهه کولائی*

توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)

چکیده:

پس از استقلال فدراسیون روسیه، اسرائیل به یکی از شرکای مهم سیاسی - اقتصادی این کشور تبدیل شد. با توجه به حضور یک میلیون روس در اسرائیل، روابط این دو کشور در شرایط متفاوتی نسبت به گذشته قرار گرفته است. حضور این افراد در اسرائیل اساساً نگاه این کشور به روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. این افراد که در میان آنها تعداد زیادی از متخصصان و کارشناسان روسی قرار دارند، فضای روانی جامعه اسرائیل را نیز تغییر داده‌اند. با توجه به آموزه‌های الحادی دوران کمونیسم در آنان، ایستارهای ایشان نسبت به ماهیت و عملکرد دولت یهود، با بسیاری از صهیونیست‌ها در تقابل آشکار قرار دارد. اسرائیل برای روسیه دریچه‌ای به سوی امریکا، و راهی برای تقویت روابط با این کشور و بهره‌گیری اقتصادی و مالی از آن برآورد شده است. دریافت تکنولوژی مدرن که یک نیاز جدی در فدراسیون روسیه می‌باشد، از طریق گسترش این روابط قابل حصول است. در این مقاله علل توسعه روابط روسیه و اسرائیل پس از فروپاشی اتحاد شوروی در ابعاد سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با در نظر داشتن این واقعیت که امروز جمهوری اسلامی ایران به یکی از مهم‌ترین شرکای منطقه‌ای روسیه تبدیل شده، در چارچوب تعارض اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای این روابط مورد اشاره قرار خواهد گرفت.^۱

واژگان کلیدی:

فدراسیون روسیه، اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، فلسطین، یهودیان

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱. این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که در دانشگاه تهران تصویب و اجرا شده است.

پیشینه روابط روسیه و اسرائیل

نقش برجسته اتحاد شوروی در شکست نیروهای هیتلر در جریان جنگ جهانی دوم که میلیونها یهودی را نابود کرده بود، کمک‌های مؤثر این کشور در برپایی رژیم اسرائیل در سال‌های ۴۸-۱۹۴۷، و شناسایی این دولت از سوی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۸، به‌رغم بازتاب‌های نظام دوقطبی در نیمه دوم قرن بیستم برای اسرائیل غیرقابل چشم‌پوشی بوده است. پس از این جهت‌گیری‌های مثبت، دورانی طولانی از رودررویی اتحاد شوروی با اسرائیل در حمایت از دولت‌های عربی در خاورمیانه آغاز شد. برای رهبران اتحاد شوروی که در چارچوب نظریه رویارویی مستمر و تقابل آشتی‌ناپذیر دو اردوگاه سرمایه‌داری و سوسیالیسم، به رهبری آمریکا و شوروی به جهان می‌نگریستند، (۱) اسرائیل از عوامل نظام سرمایه‌داری در منطقه خاورمیانه به حساب می‌آمد. دولت اسرائیل با بهره‌گیری از فضای روانی ایجاد شده از کشتار یهودیان توسط اروپایی‌ها، استقرار در سرزمین فلسطین را پس از بیرون رفتن انگلستان در پایان جنگ جهانی دوم و بیرون کردن فلسطینی‌ها هدف قرار داده بود. هر چند اسرائیلی‌ها امیدوار بودند، دولت اتحاد شوروی در پی حمایت‌های ابتدایی خود، به یهودیان این کشور اجازه مهاجرت به اسرائیل را بدهد، ولی با مخالفت‌های دولت اتحاد شوروی مواجه شدند. (۲) آنها امیدوار بودند یهودیان اتحاد شوروی که عمدتاً از نخبگان علمی و اجتماعی این کشور بودند، در بنای دولت جدید نقش مؤثری ایفا نمایند. بسیاری از رهبران دولت جدید دارای ریشه‌های خانوادگی از روسیه و کشورهای شرق اروپا بودند. دولت جدید اسرائیل امید داشت، از توانایی آنها در رفع نیازهای گسترده خود بهره‌گیرد. ولی دولت استالین که اهداف منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه و نقش اسرائیل را مورد توجه قرار داده بود، از دولت‌های عرب در مواجهه با اسرائیل حمایت کرد. جنگ کره در ۱۹۵۰ و حمایت اسرائیل از آمریکا در این واقعه، بر عمق شکاف افزود. از نیمه دهه ۱۹۵۰ اتحاد شوروی پشتیبانی مستمر و مؤثر خود را از دولت‌های عرب در برابر اسرائیل گسترش داد. پس از پیروزی این کشور بر اعراب در جنگ شش روزه ۱۹۶۷، شوروی روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع کرد. (۳) اتحاد شوروی کمک‌های تسلیحاتی خود را به کشورهای عرب افزایش بخشید و رودررویی خود را با اسرائیل

تشدید کرد. در سال‌های بعد محدود کردن مهاجرت یهودیان از این کشور به اسرائیل، به موضوع مهمی در روابط دو کشور تبدیل گردید. (۴)

در دوران جنگ سرد و تقسیم جهان به اردوگاه‌های متخاصم، روابط اتحاد شوروی و اسرائیل نیز در این چارچوب شکل می‌گرفت. در حالی که سوریه، عراق، مصر و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین مورد پشتیبانی جدی اتحاد شوروی قرار داشتند، امریکا و کشورهای غربی تقویت اسرائیل را هدف قرار داده بودند. (۵) اسرائیل نیز متقابلاً نقش موثری در سازمان دادن مخالفت‌ها علیه اتحاد شوروی در خصوص نقض حقوق بشر، به ویژه مسائل یهودیان در این کشور ایفا می‌کرد. به این ترتیب با تشدید اختلافات میان شرق و غرب، روابط اسرائیل با اتحاد شوروی نیز دستخوش تحول گردید. (۶) طی سال‌های ۱۹۶۷ تا روی کار آمدن گورباچف تلاش‌های پراکنده‌ای با برگزاری نشست‌هایی در میان سفیران دو کشور یا وزرای امور خارجه آنها انجام شد، که با توجه به فضای عمومی بین‌المللی و آثار نظام دوقطبی امکان پیشرفت در آن وجود نداشت. در حالی که دولت اسرائیل خواستار رفع محدودیت‌های مهاجرت برای یهودیان بود، دولت اتحاد شوروی خروج اسرائیل از اراضی اشغالی و احقاق حقوق فلسطینی‌ها را دنبال می‌کرد.

در طول این سال‌ها اتحاد شوروی همواره در تلاش بود تا بتواند در مسائل اعراب و اسرائیل در خاورمیانه نقش موثری ایفا کند. طی این دوران خاورمیانه به عرصه‌ای برای رودرویی مستمر اتحاد شوروی و ایالات متحده تبدیل شده بود، که ستیز میان اعراب و اسرائیل محور آن بود. (۷) در کنفرانس صلح ۱۹۷۳ در ژنو اتحاد شوروی کوشید جایگاه خود را در روند تحولات این منطقه تثبیت کند، (۸) ولی این امریکا بود که در جریان این کنفرانس توانست نقش برجسته خود را تقویت کند. اتحاد شوروی همچنان بر ضرورت خروج اسرائیل از اراضی اشغالی و مذاکره با فلسطینی‌ها تأکید می‌کرد. ولی اسرائیل هیچ‌گاه نسبت به برآوردن این درخواست انعطاف نشان نداد.

در اواخر سال ۱۹۸۴ که اتحاد شوروی مجدداً در پی احیای این روند برآمد، اسرائیل همچنان حاضر به پذیرش پیش‌شرط‌های آن نبود. (۹) تردیدی نیست که در دوران جنگ سرد چگونگی روابط دو ابرقدرت، روابط اتحاد شوروی و اسرائیل را تحت تأثیر قرار

می‌داد. تأثیر انعقاد قرارداد سالت یک^۱ و روند تنش‌زدایی بر روابط اتحاد شوروی و اسرائیل نیز آشکار بود. در پی بسته شدن این قرارداد، روند مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی بهبود یافت. در دوران نظام دوقطبی، همواره میزان مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی یکی از محورهای مذاکره رهبران اتحاد شوروی و آمریکا بود. (۱۰) پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای نظامی اتحاد شوروی، و خودداری سنای آمریکا از تصویب پیمان سالت دو، به زودی آثار آن در محدودیت‌های جدید برای مهاجرت یهودیان اتحاد شوروی به اسرائیل روشن شد. (۱۱) در طول سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ حدود ۳۰۰ هزار یهودی از اتحاد شوروی به اسرائیل و آمریکا مهاجرت کردند. ۱۵۰ هزار نفر از آن‌ها که به اسرائیل رفتند، امید زیادی برای تغییر در سیاست اتحاد شوروی ایجاد کردند. (۱۲)

با اجرای «گلاس نوست» و «پرسترویکا»، فرصت‌های جدیدی برای مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی به اسرائیل فراهم آمد. اجرای «تفکر جدید» از سوی گورباچف راه را برای بهبود همه‌جانبه روابط اسرائیل و اتحاد شوروی هموار ساخت. (۱۳) گورباچف سیاست مواجهه مستمر با آمریکا را در پرتو نیازهای فنی - تکنولوژیک اتحاد شوروی، و دگرگون ساختن آیین دفاعی - امنیتی این کشور متوقف کرد. او مفهوم امنیت متقابل را در روابط دو ابرقدرت مطرح ساخت، و ضرورت پایان دادن به مناقشات منطقه‌ای و بهره‌گیری اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا از آنها را مورد تأکید جدی قرار داد. به این ترتیب خاورمیانه نیز به عرصه‌ای برای همکاری‌های فزاینده دو ابرقدرت تبدیل گردید.

گورباچف در سال ۱۹۸۶ یک هیأت مشورتی را برای بررسی منافع اقتصادی و دارایی‌های روسیه از دوران نظام تزاری، و نیز وضعیت یهودیان روسی به اسرائیل فرستاد. اسرائیل هم در سال ۱۹۸۸ یک هیأت شش نفره را برای بررسی وضعیت روابط دو کشور به مسکو اعزام کرد، که در چارچوب صلاحیت سفارت پادشاهی هلند فعالیت خود را تنظیم می‌کرد. اتحاد شوروی فعالیت دیپلماتیک خود را به سفارت فنلاند انتقال داد. پس از قطع روابط دیپلماتیک دو کشور از سال ۱۹۶۷، هلند و فنلاند زمینه را برای

1. Strategic Arms Limitation Treaty (SALT).

برقراری مجددی در روابط میان اتحاد شوروی و اسرائیل فراهم آوردند. از ژانویه ۱۹۹۱ روابط دیپلماتیک میان دو کشور آغاز شد. هر چند در پایان همان سال اتحاد شوروی فرو پاشید، و فدراسیون روسیه عهده‌دار تنظیم روابط دو کشور در چارچوبی جدید شد.

میخائیل گورباچف آخرین دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی با تأکید بر مشکلات عمومی جامعه بشری، و ضرورت کنار گذاشتن دیدگاه‌های طبقاتی در روابط بین‌الملل، به چند دهه رویارویی ایالات متحده و اتحاد شوروی پایان داده بود. او با مطرح کردن «تفکر جدید» در سیاست بین‌الملل، خواستار تلاش برای تأمین منافع همه کشورها و متوقف کردن ستیزش‌های منطقه‌ای، از جمله در خاورمیانه شده بود. (۱۴) با فروپاشی اتحاد شوروی و حاکم شدن بوریس یلتسین بر فدراسیون روسیه، این نگرش و تلاش برای بهبود در روابط با امریکا تداوم پیدا کرد.

همکاری اتحاد شوروی با امریکا در جریان جنگ عراق با کویت، بیانگر تحول جدیدی در سیاست خاورمیانه‌ای اتحاد شوروی بود. گورباچف مشاور خود یوگنی پریماکف را مأمور پی‌گیری مسائل مربوط به این موضوع کرد. جهت‌گیری‌های عمل‌گرایانه گورباچف در ابعاد گسترده‌ای آشکار گردیده بود. (۱۵) پیامد این همکاری حضور مؤثر اتحاد شوروی در کنفرانس صلح خاورمیانه بود، که جایگاه ویژه‌ای برای این کشور در برنداشت. اتحاد شوروی که همواره در پی تقویت حضور خود در تحولات خاورمیانه بود، بهبود در روابط با همه کشورهای را مورد توجه قرار داد. عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی در این زمینه قابل توجه می‌باشد. اتحاد شوروی که پیش از آن طرح فهد برای ایجاد صلح در خاورمیانه را رد کرده بود و با کنفرانس فاس (الجزایر) با سردی برخورد کرده بود، سیاست خود را تغییر داد.

باز شدن سفارت اتحاد شوروی در امارات متحده عربی، قطر، و عربستان سعودی بازتاب دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای اتحاد شوروی بود. حضور این کشور در کنفرانس صلح خاورمیانه در مادرید به خوبی نشان‌دهنده عزم آن برای پایان دادن به رویارویی اعراب و اسرائیل، در امتداد سیاست عمل‌گرایانه گورباچف و همراهی با امریکا در سیاست بین‌الملل بود. (۱۶) هر چند حضور اتحاد شوروی در این کنفرانس حاشیه‌ای بود، ولی به نماد همکاری فزاینده این کشور با امریکا تبدیل گردید. ایالات

متحده نیز متقابلاً مواضع خود را در این فرایند تقویت کرد. امریکا از این وضعیت برای تشدید فشار بر مخالفان روند صلح که تا آن زمان به حمایت‌های اتحاد شوروی امیدوار بودند، بهره گرفت.

در جریان برگزاری کنفرانس چندجانبه صلح خاورمیانه در مسکو در ژانویه ۱۹۹۲، در آستانه استقلال فدراسیون روسیه، آندره کوزیرف وزیر امور خارجه این کشور بر ضرورت پایان دادن به جنگ تأکید کرد. او عزم جدی روسیه برای تقویت همکاری‌های اقتصادی با همه کشورهای منطقه و طرف‌های درگیر در جنگ را مورد تأکید قرار داد. کوزیرف همکاری سوئد و پایدار با ایالات متحده را در این راستا مطرح ساخت. روسیه همکاری خود را برای پایان دادن به شرایط تهدیدآمیز خاورمیانه در سطح گسترده آشکار نمود، و در یک فرایند مرحله‌ای و گام‌به‌گام تحکیم صلح و ثبات در منطقه را هدف خود اعلام کرد. همان‌گونه که اشاره شد، دگرگونی در سیاست منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه از دوران گورباچف، اساساً با توجه به تحول در سیاست بین‌المللی آن و آثار نیازهای داخلی روسیه در جلب حمایت و همکاری غرب، به ویژه امریکا قابل تحلیل می‌باشد. (۱۷) گورباچف نگرش ایدئولوژیک به مسائل جهانی و خاورمیانه را کنار نهاد. او آشکارا برای بهره‌گیری از کمک‌های امریکا به منظور رفع مشکلات اقتصادی و فنی اتحاد شوروی، سیاست‌های همکاری‌جویانه در خاورمیانه و تقویت فرایند صلح را مورد تأکید قرار می‌داد.

قبل از آن که اتحاد شوروی رابطه سیاسی خود را با اسرائیل قطع کرده بود، مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی را به کمتر از هزار نفر کاهش داده، و در سال ۱۹۷۵ از تصویب قطعنامه ضد اسرائیلی، «صهیونیسم با نژادپرستی برابر است» پشتیبانی مؤثر کرده بود. (۱۸) پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ روند دگرگونی در سیاست خارجی شوروی توسط گورباچف تسریع شد. گورباچف نه تنها روابط کامل دیپلماتیک را با اسرائیل برقرار کرد، بلکه برای تصویب قطعنامه جدیدی به منظور لغو قطعنامه «صهیونیسم یعنی نژادپرستی» در سازمان ملل با امریکا همکاری کاملی انجام داد. با این اقدام امکان افزایش مهاجرت یهودیان به اسرائیل فراهم گردید. روند مهاجرت افرادی که بیشتر از متخصصان و دانشمندان اتحاد شوروی بودند، سبب نگرانی متحدان سنتی این کشور

مانند عراق و سوریه شد. هر چند گورباچف این اقدام را در جهت تقویت ارزش‌های بشری معرفی می‌کرد، ولی همه می‌دانستند که هدف اصلی او بهبود فزاینده روابط با ایالات متحده امریکا است. (۱۹)

سیاست همراهی با امریکا در کنفرانس صلح خاورمیانه ادامه یافت. گورباچف تقویت نقش مصر را نیز در تحولات خاورمیانه دنبال کرد. به گونه‌ای که روابط خصمانه دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری‌ها شد. همزمان روابط اتحاد شوروی با سوریه رو به سردی گرائید. اسرائیل نیز در دوران فروپاشی اتحاد شوروی تحولات این کشور را با حساسیت پی‌گیری می‌کرد. اسحق شامیر نخست‌وزیر اسرائیل به شدت نگران گسترش تکنولوژی سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای اسلامی پیرامون شوروی بود. جهت‌گیری مثبت شوروی نسبت به مناقشه اعراب و اسرائیل، در روند تحولات منطقه بسیار موثر بود.

فدراسیون روسیه و خاورمیانه

فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی با دو نگرش اساسی نسبت به خود و جایگاهش در جهان مواجه بوده است. تقابل میان غرب‌گرایان و اسلاوگرایان که ریشه در دوران اصلاحات غرب‌گرایانه پطر کبیر داشته، در دوران جدید به مواجهه آتلاتیک‌گرایان و اوراسیاگرایان تبدیل گردید. (۲۰) در برداشت نخست روسیه‌ای دموکراتیک، بازاری با ویژگی‌های چندقومی، کثرت‌گرا، و غیردینی با گرایش‌های جهانی مطرح بوده، که سیاست خارجی فعال و سازنده‌ای را با غرب دنبال می‌کند. چهره‌های برجسته‌ای در دولت یلتسین هوادار این نگرش بودند. در برداشت دوم روسیه قدرتی بزرگ با ملتی منحصر به فرد است، که ایده احیای امپراتوری در اوراسیا را مطرح می‌سازد. این گروه با سنت‌های دیرین روسی و ایده احیای قدرت روسی نزدیکی شدید دارند. بسیاری از ملی‌گرایان تندرو در روسیه پس از فروپاشی، با در نظر داشتن حقارت‌های شدید تحمیل شده بر مردم و دولت روسیه به این گرایش تمایل یافته‌اند. زبان‌های اقتصادی ناشی از همراهی روسیه با امریکا، به ویژه در بخش صدور تسلیحات در جهان از نکات مهم مورد توجه این گروه بوده است. (۲۱)

در حالی که آتلانتیک‌گراها بر ضرورت همکاری همه‌جانبه با غرب به‌ویژه آمریکا تأکید کرده‌اند، اوراسیا‌گرایان توجه به الزامات ژئوپلیتیکی روسیه را مطرح ساخته‌اند. (۲۲) به این ترتیب در نخستین سال‌های پس از استقلال فدراسیون روسیه، خاورمیانه و کشورهای آسیایی اساساً در چارچوب نگرش غرب‌گرایانه حاکم فاقد اهمیت جدی تلقی می‌شدند، و محور سیاست خارجی این کشور توسعه روابط همه‌جانبه با غرب و به‌ویژه آمریکا برآورد می‌شد. روسیه در این دوران تلاش کرد تا در کنار آمریکا نقش نظارت و تقویت فرایند صلح را بر عهده گیرد. کوزیرف با تأکید بر ضرورت تأمین صلح و ثبات در خاورمیانه و خلیج فارس تلاش مستمری را در جهت تقویت دیدگاه‌های منطقه‌ای آمریکا انجام داد. (۲۳)

کوزیرف وزیر امور خارجه روسیه ثبات و امنیت در خلیج فارس را بخشی از منافع روسیه خواند. با سفر کوزیرف به بغداد در نوامبر ۱۹۹۴، رژیم این کشور حاضر به پذیرش حاکمیت کویت و مرز آن شد. همکاری‌های تسلیحاتی روسیه با سوریه، عراق، و لیبی در مسیر کاهش فزاینده قرار گرفت. از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ حدود ۹۴ درصد از میزان همکاری‌های نظامی روسیه با این کشورها کاسته شد. (۲۴) در جریان منازعات داخلی روسیه و بحران قانون اساسی، روابط روسیه با کشورهای متحد سنتی خود در خاورمیانه به یکی از موضوعات مورد بهره‌برداری مخالفان یلتسین علیه او تبدیل شده بود. (۲۵) مخالفان یلتسین با حمایت از عراق خواستار ادامه نقش مؤثر روسیه، همانند دوران اتحاد شوروی در خاورمیانه بودند. ولی یلتسین در چارچوب سیاست همکاری جویانه با غرب به‌ویژه آمریکا، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را تنظیم کرده بود. در سال ۱۹۹۲ الکساندر روتسکوی معاون یلتسین در سفر به اسرائیل، یک یادداشت تفاهم در خصوص همکاری‌های تجاری و کشاورزی را به امضا رسانید. (۲۶) سال بعد روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان روسیه نیز از اسرائیل دیدار کرد. او پس از این سفر منافع روسیه را با کشورهای منطقه خلیج فارس هماهنگ خواند، و بر ضرورت همکاری‌های این کشور با عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی تأکید کرد.

با در نظر گرفتن بیش از ۶ میلیارد دلار بدهی عراق به روسیه، منطق سردی روابط با این کشور به خاطر همکاری با غرب، برای مخالفان داخلی یلتسین زیر سؤال قرار

داشت. (۲۷) حتی برخی از میانه‌روها نیز سیاست این کشور در مورد عراق را مورد انتقاد قرار می‌دادند. ولی یلتسین بیشتر به چگونگی روابط با امریکا و نیز شورای همکاری خلیج فارس توجه داشت. او می‌کوشید با تقویت رابطه خویش برای کشورهای عضو این شورا، پایگاهی غیر از امریکا برای آنان به وجود بیاورد. نزدیکی با عراق این هدف را تخریب می‌کرد. به هر حال مخالفت‌های داخلی با سیاست یلتسین در برابر عراق ادامه یافت، هر چند در نوامبر ۱۹۹۳ قرارداد همکاری دفاعی با کویت در سفر وزیر دفاع این کشور به روسیه بسته شد. (۲۸) سپس مانور دریایی نیروهای روسی و کویتی نیز در خلیج فارس برگزار شد. روزنامه پراودا به عنوان سخنگوی اوراسیاگرایان در واکنش به این اقدام، آن را ناقض منافع روسیه و ضرورت بهبود روابط با عراق خواند.

یهودیان روسیه پس از فروپاشی

با اجرای پرسترویکای گورباچف شرایط برای تحول همه‌جانبه در اتحاد شوروی و سپس فدراسیون روسیه فراهم آمد. روند بهبود جایگاه یهودیان در این کشور به‌طور منظم در سال‌های پس از فروپاشی ادامه یافت. رفع محدودیت‌های مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی این روند را تقویت می‌کرد، هر چند در نیمه دهه ۱۹۹۰ این جریان رو به کاهش نهاد. با تحول در سیاست‌های فدراسیون روسیه و ایجاد فرصت‌های جدید در پرتو اجرای سیاست‌های انتقال به نظام اقتصاد بازار، (۲۹) یهودیان توانستند در همه عرصه‌ها جایگاه خود را بهبود بخشند. حضور افرادی مانند آناتولی چوبایس و گریگوری یاولینسکی در دستگاه اجرایی بیانگر این ارتقا بود. بازرگانان و تجار یهودی نیز مجال مناسبی برای گسترش فعالیت‌های خود به دست آوردند. افرادی مانند بوریس برزوفسکی^۱، بوریس نمتسف^۲، ویتالی مالکین^۳ توانستند در میان همکاران خود به‌طور منظم نفوذشان را گسترش دهند. (۳۰)

1. Boris Berezovsky.

2. Boris Nemtsov.

3. Vitali Malkin.

این روند در میان اتحادیه‌های جوانان نیز گسترش یافت. میخائیل خودورکوفسکی^۱ از کسانی بود که در میان جوانان فعال روسیه توانست، با ریاست مناب بانک روسیه وضعیت مناسبی را احراز نماید. سرگئی کریلنکو نخست‌وزیر سابق روسیه نیز از یهودیان جوانی بود که فرصت بهبود جایگاه خود را در شرایط جدید پیدا کرد. در عرصه امور اقتصادی یهودیان روسیه ارتقاء بیشتری را به دست آوردند. الکساندر لیوژیتز^۲ وزیر سابق امور مالی روسیه و مشاور نزدیک بوریس یتسین نیز در این زمینه قابل اشاره است.

یاکوف آنسن^۳ وزیر امور اقتصادی پیشین یتسین نیز از یهودیانی بود که سال‌ها در مرکز کامپیوتر سازمان مرکزی برنامه‌ریزی اقتصادی اتحاد شوروی و سپس فدراسیون روسیه فعالیت داشت. ولادیمیر گوسینسکی^۴ و الکساندر اسمولنسکی^۵ نیز از جمله یهودیانی بودند که در ساختار تصمیم‌گیری و اجرایی اقتصادی روسیه جایگاه مهمی داشته‌اند.

در پارلمان روسیه نیز پس از فروپاشی حضور یهودیان رو به رشد بود، هر چند به تدریج این روند رو به کاهش نهاد. در نخستین دومای کشوری ۱۷ نماینده یهودی عمدتاً از حزب لیبرال روسیه حضور داشتند. این یهودیان اساساً با گروه‌های اصلاح طلب غرب‌گرا در روسیه پیوند داشتند. افرادی مانند پیوتر شلیش^۶ از سن پترزبورگ در این زمینه قابل اشاره هستند. لو روخیلین^۷ نیز از دیگر یهودیان فعال در پارلمان روسیه بوده است. او تنها یهودی در روسیه بود که قبلاً فرماندهی لشکر هشتم روسیه را عهده‌دار بود. (۳۱) روخیلین با توجه به سرکوب نظامی جدایی طلبان چچن ارتش روسیه را ترک کرده بود.

الکساندر یاولینسکی از مشهورترین اقتصاددانان غرب‌گرای روسیه که در انتقال از

1. Mikhail Khodorkovsky.

2. Alexander Livshitz.

3. Yakov Unnson.

4. Vladimir Govssinsky.

5. Alexander Slolensky.

6. Pyoter Shelisch

7. Lev Rokhilin.

نظام سوسیالیستی به سرمایه‌داری در این کشور نقش اساسی داشت نیز از نمایندگان یهودی دوما‌ی کشوری بوده است. او نخستین کسی بود که از ضرورت مشارکت یهودیان در ساختارهای دولتی و قانونی روسیه سخن گفت. یاولینسکی در برابر ولادیمیر ژیرینفسکی رهبر حزب راست‌گرای لیبرال دموکرات که یهودیان را به صراحت «ستون پنجم» دشمنان روسیه می‌خواند، فعالیت شدیدی را دنبال کرده است. ژیرینفسکی حزب لیبرال یاولینسکی را عامل بیگانگان در روسیه خوانده است. یهودیان در دوما‌ی کشوری تلاش خود را برای مقابله با تمایلات ضد یهودی گسترش داده‌اند. (۳۲) آنها کوشیده‌اند فضای جدید را برای گسترش مشارکت یهودیان در سطوح مختلف ایجاد نمایند.

طی نخستین مرحله از سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، گسترش همکاری با آمریکا و بهره‌گیری از کمک‌های این کشور و متحدان غربی آن هدف اصلی سیاست خارجی روسیه بود. پیامد این سیاست در خاورمیانه، سازگاری گسترده روسیه با اهداف و علایق آمریکا و اسرائیل بود. در حالی که شوروی از دهه ۱۹۷۰ در پی تقویت حضور خود در خاورمیانه و تحولات آن بود، یلتسین از حضور در کنفرانس صلح در مسکو در اواخر ژانویه ۱۹۹۲ خودداری کرد. او بیشتر علاقه‌مند به بهبود و گسترش روابط با ایالات متحده بود. خاورمیانه برای او دارای اولویت ویژه نبود. (۳۳) روسیه برای اثبات دیدگاه مثبت و عملگرایانه خود نسبت به آمریکا، در پذیرش مرزهای کویت از سوی عراق نقش اساسی ایفا کرد. حضور رو به افزایش یهودیان نیز در پست‌های تصمیم‌گیری این روند را تقویت کرد.

توسعه روابط سیاسی روسیه و اسرائیل

مهاجرت هزاران یهودی از روسیه به اسرائیل، روند دگرگونی در روابط دو کشور را تسریع کرد. اسرائیل به زودی به کشوری تبدیل شد که حدود یک پنجم جمعیت آن را مهاجران یهودی روس تبار تشکیل داده‌اند. (۳۴) در میان این مهاجران یهودی اساتید دانشگاه‌ها، مهندسان، پزشکان و اصولاً تحصیل‌کرده‌های جامعه روسیه بخش مهمی را به خود اختصاص داده‌اند. این جریان عظیم در حد گسترده‌ای جامعه اسرائیل را تحت

تأثیر قرار داده است. گسترش سریع روابط روسیه و اسرائیل پس از استقلال این کشور تحت تأثیر این جمعیت قابل ملاحظه بوده است. در دیدار دیوید لوی وزیر امور خارجه اسرائیل از مسکو در ژانویه ۱۹۹۲، ضرورت توسعه همکاری‌های دو کشور مورد تأکید قرار گرفت. (۳۵)

همان‌گونه که اشاره شد پس از کنفرانس مادرید، روابط روسیه و اسرائیل به صورت دوجانبه ادامه یافت. سفیر روسیه خواستار کسب حمایت اسرائیل از ورود جمهوری‌های سابق شوروی به سازمان ملل شد، به موسسه یادواشم (یادواره کشتار یهودیان) اجازه استفاده از آرشیوهای حزب کمونیست شوروی در زمینه مسائل یهودیان داده شد. رئیس فرهنگستان علوم طبیعی شوروی پیشنهاد تشکیل شعبات آن را در اسرائیل مطرح کرد، ناتان (آناتولی) شارانسکی ناراضی یهودی مشهور شوروی از اتهام جاسوسی برای امریکا تبرئه شد. روسیه پذیرفت برای سامان دادن مهاجرت یهودیان از جمهوری‌های مختلف و نیز فدراسیون روسیه با سازمان اسراییلی یهود همکاری کند. (۳۶)

یلتسین که در داخل درگیر مخالفت‌های جدی در مورد سیاست خاورمیانه‌ای خود بود، بدون توجه به آنان سیاست توسعه روابط با اسرائیل را دنبال می‌کرد. در جریان رودرویی پارلمان با رئیس جمهوری این سیاست به‌طور شدید مورد حمله قرار گرفت. تلاش یلتسین برای روند سریع انتقال از سوسیالیسم به سرمایه‌داری و پیامدهای منفی آن برای جامعه روسیه، از عوامل اصلی تشدید مخالفت‌های داخلی علیه یلتسین بود. برخی از مخالفان یلتسین نسبت به اسرائیل جهت‌گیری مثبتی داشتند، ولی چگونگی گسترش روابط با امریکا را مورد حمله قرار می‌دادند. (۳۷)

پس از برگزاری انتخابات در اسرائیل و روی کار آمدن اسحق رابین که پس از آزاد کردن ۸۰۰ زندانی، خانه‌سازی در اراضی اشغال شده را متوقف ساخت، رادیو مسکو او را مورد تمجید قرار داد. در چارچوب هماهنگی روسیه و امریکا تلاش مشترکی برای تقویت فرایند صلح ایجاد شد. روسیه در همان حال برای نمایش بی‌طرفی خود، محمود عباس عضو کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین را به مسکو دعوت کرد. روسیه برای بهبود جایگاه و نقش مثبت خود در این روند کوشش فراوانی به عمل می‌آورد.

یوسووالیوک معاون بعدی وزارت امور خارجه روسیه، به‌عنوان رئیس بخش خاورمیانه و افریقا سفری به اسرائیل انجام داد. او در گزارش خود با تأکید بر نقش سازنده روسیه عزم دولت خود را برای همکاری در روند صلح خاورمیانه مورد تأکید قرار داد. (۳۸)

در پی این دیدار شیمون پرز در سفر چهار روزه خود به مسکو، سفر کوتاهی به زادگاه خود در روسیه سفید داشت. او در کنیسه مرکزی روسیه در مسکو حضور یافته و از یهودیان روسیه برای مهاجرت به اسرائیل دعوت کرد. (۳۹) کوزیرف هم با بهره‌برداری از این دیدار، بر اهمیت نقش روسیه در صلح خاورمیانه تأکید کرد. پرز در این دیدار نقش روسیه را در جلوگیری از گسترش احساسات ضدیهودی مورد تمجید قرار داد. او با مطرح ساختن نفوذ مؤثر روسیه در خاورمیانه، اهمیت جهت‌گیری مثبت آن را در مورد مسأله صلح برجسته ساخت.

کمتر از یک ماه بعد پرز و کوزیرف توافق‌نامه‌ای را در نیویورک امضا کردند که همکاری روزافزون دو کشور در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی را مورد تأکید قرار دادند. (۴۰) پرز و کوزیرف اعلام کردند قصد دارند روابط سیاسی خود را بیشتر توسعه دهند. آنها تقویت روابط همه‌جانبه خود را از هر طریق ممکن مورد تأکید قرار دادند. در تفاهم‌نامه مشترک دو کشور توجه اصلی به مذاکرات صلح در خاورمیانه معطوف شده بود. پرز و کوزیرف عزم خود را برای توسعه روابط روزافزون و حمایت مؤثر از روند صلح آشکار ساخته بودند. در جریان حوادث نوامبر ۱۹۹۲ در لبنان، و سپس اخراج ۴۰۰ نفر از رزمندگان حماس از اسرائیل، وزارت امور خارجه روسیه نگرانی عمیق خود را از اخلال در روند صلح ابراز کرد.

در طول سال ۱۹۹۳ نیز به‌رغم تشدید منازعات سیاسی در داخل، بهبود روابط با اسرائیل ادامه یافت. پس از تخریب شرایط در جنوب لبنان، توافق اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین در اصول صلح در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ با حضور آندره کوزیرف در کاخ سفید به امضا رسید. (۴۱) روسیه که در این توافق نقش جدی نداشت، می‌کوشید به جهانیان نشان دهد همچنان در تحولات خاورمیانه اثرگذار است. (۴۲) وارن کریستوفر وزیر امور خارجه امریکا نیز در پاسخ به همراهی‌های روسیه در خاورمیانه در برابر این تلاش مقاومتی نداشت. چند روز بعد آناتولی آدامیشین معاون اول وزیر امور خارجه

روسیه برای نمایش نفوذ روسیه، سفر خاورمیانه‌ای خود را برگزار کرد. او با تکیه بر آمادگی روسیه برای حمایت همه‌جانبه از تلاش‌های صلح در خاورمیانه، ضرورت گسترش این تحولات را به روابط اسرائیل با سوریه و لبنان مطرح ساخت.

در همین ایام مقابله پارلمان با یلتسین شدت یافت. منازعه سیاسی رئیس‌جمهور و پارلمان، با توسل به نیروهای نظامی و گلوله‌باران پارلمان روسیه پایان یافت. با پایان یافتن این مناقشه و برگزاری انتخابات پارلمانی ۱۹۹۳، حزب ملی‌گرای لیبرال دموکرات ژیرینفسکی توانست از رقبای خود پیشی بگیرد، و روند توسعه گرایش‌های ملی‌گرایانه افراطی در روسیه را آشکار سازد. چهره ضد یهودی ژیرینفسکی برای برخی ناظران، مفهوم مخالفت با سیاست‌های روسیه در خاورمیانه را در برداشت. ولی به نظر می‌رسید، انتخاب او بیشتر به نارضایتی از سیاست داخلی و خارجی غرب‌گرای یلتسین ارتباط داشته باشد. (۴۳)

در سال ۱۹۹۴ روند نزدیکی روسیه و آمریکا با موانع جدیدی روبه‌رو شد. اختلاف نظر دو کشور در مورد مسائل بالکان، حمایت روسیه از صرب‌های بوسنی و پشتیبانی آمریکا از کروات‌ها و مسلمانان سبب بروز شکاف در نگرش‌های موافق در هر دو کشور گردید. یلتسین در پاسخ به فشارهای داخلی که در انتخاب ژیرینفسکی بازتاب یافته بود، در سیاست موافق و همکاری‌جویانه خود نسبت به آمریکا دگرگونی‌هایی را پذیرا شد. مداخله روسیه در بوسنی صرب‌ها را به رفع محاصره گورازده برای جلوگیری از حمله ناتو متقاعد ساخت.

یلتسین در روند صلح خاورمیانه نیز اقدامات یکجانبه‌ای را آغاز کرد. پس از کشتار ۲۹ عرب در مسجد حضرت ابراهیم در شهر الخلیل، که یک اسرائیلی آنان را به رگبار بست (در مارس ۱۹۹۴)، یلتسین بدون هماهنگی با آمریکا خواستار بازگشت به نتایج صلح مادرید شد. او برای گفتگو با رهبران فلسطین و اسرائیل، کوزیرف را به تونس و بیت‌المقدس فرستاد. اقدام مستقل یلتسین با استقبال مجامع داخلی در روسیه مواجه شد، گروه‌هایی که به شدت از سیاست پیروی روسیه از آمریکا نگران و آزرده بودند. (۴۴) به هر حال یلتسین نتوانست به پیشنهادهای خود در «مادرید» جامه عمل بپوشاند. در آوریل ۱۹۹۴ ساف و اسرائیل گفتگوهای صلح را از سر گرفته و در مه به توافق جدید

دست یافتند. پس از آن قرارداد جدید تجاری روسیه و اسرائیل به امضا رسید. یلتسین در همان حال به اسحق رابین قول داد با وجود قرارداد نظامی امضا شده با سوریه، فقط سلاح‌های دفاعی و قطعات یدکی به آن کشور ارائه کند. (۴۵)

در ژانویه ۱۹۹۴ وزیر کشاورزی اسرائیل یاکوف تزور از مسکو دیدار کرد. او برای آموزش کشاورزان روسی و صدور سبزی و میوه تازه از اسرائیل به روسیه قراردادی را امضاء کرد. برای تسهیل انتقال ارز میان دو کشور نیز کارت تسهیلات اعتباری روسیه در اسرائیل عرضه شد. سپس نخستین بانک روسی در اسرائیل گشایش یافت. نقش مهاجران روسی که به اسرائیل رفته بودند، در شکل‌گیری این همکاری‌ها بسیار مؤثر بوده است. در همان حال هماهنگی‌های سیاسی دو کشور ادامه یافت. کوزیرف در مراسم امضای قراردادهای صلح اسرائیل و اردن هم شرکت داشت. پیامی که او از سوی یلتسین در این مراسم خواند، بیانگر تلاش روسیه برای ایفای نقش مؤثر در فرایند صلح خاورمیانه بود. (۴۶)

در همین ایام همکاری‌های فرهنگی نیز در کنار روابط اقتصادی و سیاسی گسترش می‌یافت. شوایچ ویس رئیس کنیسه اسرائیل در سپتامبر ۱۹۹۴ از مسکو دیدار کرد. گاری کاسپروف قهرمان روسی شطرنج جهان نیز از اسرائیل دیدار کرد. ایگور گابریل هنرپیشه یهودی روسی که به اسرائیل مهاجرت کرده بود به مسکو سفر نمود. روزنامه خبرهای مسکو انتشار خود را در اسرائیل آغاز کرد. رهبران روسیه همچنان تقویت فرایند صلح در خاورمیانه را در چارچوب علایق و ملاحظات خود برآورد می‌کردند. (۴۷)

در پایان سال ۱۹۹۵ در سفر ژنرال پاول گراچف به اسرائیل، یادداشت تفاهمی برای همکاری‌های نظامی و فنی به امضاء رسید. (۴۸) فروش جدیدترین مدل‌های تانک‌ها و هواپیماهای روسی به اسرائیل در این توافق گنجانیده شد. در این سال بر حجم مبادلات تجاری دو کشور ۲۰ درصد افزوده شد. روند افزایش مبادلات تجاری دو کشور پس از فروپاشی بطور مستمر ادامه یافته است. شبکه بزرگی از شرکت‌های تحت مدیریت مهاجران روس در اسرائیل فعالیت دارد، که روابط دو کشور را در عرصه‌های گوناگون گسترش می‌دهد.

از سال ۱۹۹۵ شواهد دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به طور گسترده‌ای

آشکار گردید. همجواری ژئوپلیتیکی روسیه با خاورمیانه ضرورت پذیرش این واقعیت را مورد توجه رهبران این کشور قرار داد. تحول در روابط روسیه و آمریکا، و افزایش شکاف در دیدگاه‌های دو کشور این روند را تقویت کرد. (۴۹) افراطیون چپ و راست در پاسخ به تحولات داخلی و خارجی در روسیه، و ناکامی‌های سیاست‌های غرب‌گرایانه رشد کرده بودند. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی روسیه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. (۵۰) با توجه به این واقعیت که ۲۵ درصد خاک روسیه در اروپا و ۷۵ درصد آن در خاک آسیا قرار گرفته، منطق سیاست غرب‌گرایانه به‌طور فزاینده‌ای با مخالفت روبه‌رو شد. اهمیت این مباحث در ضرورت بازگشت روسیه به خاورمیانه، و ایفای نقش موثرتر در تحولات آن بازتاب یافت.

انتخاب یوگنی پریماکوف به عنوان وزیر امور خارجه روسیه، بیانگر تحول جدی در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای این کشور بود. او با انتقاد از جهت‌گیری‌های انفعالی روسیه در برابر آمریکا و پیروی از سیاست‌های آن در جهان، تأکید بر منافع خاص ژئوپلیتیکی روسیه را مطرح ساخت. پریماکوف توجه به آسیا و قدرت‌های پیرامون روسیه را برای تعادل بخشیدن به سیاست خارجی این کشور مورد تأکید قرار داد. (۵۱) او با پذیرش دیدگاه هابس در روابط بین‌الملل، هدف همه کشورهای منجمله آمریکا و روسیه را کسب منافع و افزایش آن برآورد کرد. پریماکوف ضرورت توسعه روابط با کشورهای اسلامی را مورد تأکید قرار داد. دیدگاهی که ژیرینفسکی ملی‌گرای افراطی روسیه نیز آن را مطرح ساخته بود. او تحول در روابط با عراق را به طور جدی در دستور کار روسیه قرار داد. تلاش برای تقویت روند صلح در خاورمیانه، همچنان از اولویت‌های او به شمار می‌آمد. ولی هدف اصلی پریماکوف نقش مهم روسیه در آن بود. (۵۲) او تقویت این روند را از طریق تأثیر بر سوریه و لبنان برای کاهش تنش دنبال می‌کرد. (۵۳)

روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی به نقل از منابع روسی نوشت، روسیه در پی تعیین یک نماینده ویژه در امور خاورمیانه - مانند آمریکا - می‌باشد. (۵۴) پریماکوف معتقد بود روسیه باید نقشی یکسان با آمریکا در روند تحولات خاورمیانه ایفا کند، زیرا توانایی انجام آن را دارد. او با سفر به سوریه، لبنان، اسرائیل و اردن و نیز دیدار با عرفات در غزه کوشید این توانایی را به نمایش بگذارد. او در پی تعادل بخشیدن به نقش آمریکا و روسیه در

خاورمیانه بود. به هر حال این گرایش روابط با اسرائیل را تغییر نداد. پریماکوف فشار بر سازمان ملل برای رفع تحریم از عراق را نیز شدت بخشید. (۵۵)

از دیدگاه پریماکوف مرزهای مشترک روسیه با خاورمیانه، سیاست فعال در این منطقه را غیرقابل چشم‌پوشی می‌ساخت. تهدیدات ناشی از تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش کشورهای همسایه در این منطقه از این دیدگاه حایز اهمیت جدی بود. عوامل ژئوپلیتیکی در این زمینه دارای تأثیر عمیق بودند. منابع طبیعی و درآمدهای ناشی از صدور نفت نیز جاذبه زیادی را برای روسیه ارائه می‌کرد. در این زمینه نیز انتقال تسلیحات روسی می‌توانست جاذبه زیادی را در برداشته باشد. به هر حال در نگرش جدید روسیه به خاورمیانه که با حضور پریماکوف برجستگی بیشتری یافت، همچنان روند مناقشه اعراب و اسرائیل مورد توجه بود. (۵۶)

ادامه این سیاست پس از برکناری پریماکوف نیز اجتناب‌ناپذیر بود، زیرا الزامات ژئوپلیتیکی روسیه آن را دیکته کرده بود. روسیه در چارچوب سیاست خارجی خاورمیانه‌ای خود تأثیر عمیق و مؤثر بر تحولات منطقه و نیز روند صلح را همچنان در دستور کار خود داشت.

توسعه همکاری‌های پارلمانی میان روسیه و اسرائیل یکی از مهم‌ترین وجوه همکاری‌های سیاسی دو کشور بوده است. هیأت دوستی پارلمانی دو کشور با تشکیل کمیته‌هایی، توسعه روابط روسیه و اسرائیل را در زمینه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی - نظامی و حتی همکاری‌های حقوقی دنبال کرده است. (۵۷) اسرائیل می‌کوشد از این نهاد برای اهداف خود در روند صلح خاورمیانه، مقابله با بنیادگرایی اسلامی، و نفوذ روسیه در خاورمیانه بهره‌گیرد. اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی با حمایت این مجموعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. یکی از اهداف این هیأت تغییر سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه روس‌ها در اسرائیل می‌باشد، تا امکان یکپارچه شدن سریع‌تر آنها در جامعه اسرائیل فراهم آید. نقش دوما و گروه‌بندی هوادار یهودیان در آن می‌تواند به گسترش وسیع‌تر روابط همه‌جانبه دو کشور یاری رساند.

با توجه به گسترش تمایلات قدرت‌طلبانه در روسیه، و توجه فزاینده به ایفای نقش برتر جهانی و منطقه‌ای، شکل‌گیری این روابط می‌تواند روسیه را در تحقق اهداف خود

یاری رساند. روسیه با تقویت جایگاه خود در خاورمیانه تلاش برای تأثیرگذاری بیشتر بر تحولات منطقه را مورد توجه قرار داده است. دیدار بنیامین ناتانیاهو در اوایل سال ۱۹۹۷ از مسکو، گامی در جهت تقویت نقش منطقه‌ای روسیه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های توسعه روابط دو کشور بود.

پیش از آن در دسامبر ۱۹۹۵ شیمون پرز نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر دفاع روسیه پاول گورباچف، یک قرارداد همکاری فنی - نظامی پنج ساله را به امضاء رسانده بودند. (۵۸) در چارچوب این قرارداد دو کشور اعلام کردند همکاری خود را در بخش‌های فنی و نظامی تا سال ۲۰۰۰ گسترش خواهند داد. برخلاف مدل همکاری روسیه با کشورهای خاورمیانه، در چارچوب این توافق بهبود کمی و کیفی تجهیزات و سلاح‌های روسی برای صدور به کشورهای جهان سوم مورد توجه بود.

این همکاری برای ارتقای کیفی هواپیماهای روسی که به چین و هند فروخته می‌شد، بسیار کارساز بود. بهبود این تجهیزات، ابزارها، و سیستم‌های روسی برای حفظ موقعیت روسیه در بازار جهانی تسلیحات، ضرورتی غیرقابل انکار بود. این همکاری به ویژه در مورد سیستم‌های الکترونیکی هواپیماهای جنگی روسی بسیار تعیین‌کننده بود.

البته در مورد چگونگی این همکاری‌ها در روسیه اعتراضاتی نیز وجود داشته است. برخی از متخصصان روسی نسبت به بهره‌مندی چشمگیر اسرائیل از این همکاری‌ها معترض بوده‌اند. برخی از کارشناسان نیز این همکاری‌های نظامی با اسرائیل را سبب کاهش جایگاه روسیه در میان کشورهای خاورمیانه که با اسرائیل روابط خصومت‌بار دارند، تلقی کرده‌اند. از سوی دیگر، آنان معتقدند همکاری فنی و نظامی با اسرائیل که روابط استراتژیک با ایالات متحده آمریکا دارد، نمی‌تواند برای روسیه قابل اعتماد باشد. این دغدغه در خصوص همکاری نظامی با اسرائیل در ماجرای آوریل ۲۰۰۰، که آمریکا دولت اسرائیل را متقاعد ساخت همکاری خود را در یک مجتمع راداری روسیه که تجهیزات مورد نیاز هواپیماهای صادراتی به چین را تهیه می‌کرد قطع کند، مورد آزمون قرار گرفت. به نظر ویلیام کوهن وزیر دفاع وقت آمریکا این همکاری‌ها و پیامد عملی آن می‌توانست توازن قوا در میان چین و تایوان را بر هم زند. آمریکا همچنین نگرانی خود را از انتقال این تکنولوژی از طریق چین به ایران و عراق مطرح کرده بود.

تحت فشارهای دولت امریکا، ایهود باراک نخست‌وزیر اسرائیل این همکاری را در ژوئیه ۲۰۰۰ متوقف ساخت. (۵۹) ولی به هر حال این تجربه سبب ناامیدی روسیه نشد و دو کشور همچنان به همکاری فنی و نظامی خود ادامه می‌دهند.

زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی توسعه روابط دو کشور

مهاجرت صدها هزار یهودی به اسرائیل که در طول سالیان اجرای پرسترویکا، گلاس نوست و تفکر جدید تعداد آنها به شدت افزایش یافته بود، زمینه را برای دگرگونی اساسی روابط اتحاد شوروی و پس از فروپاشی آن فدراسیون روسیه با این کشور فراهم آورده است. هر چند پس از انقلاب اکتبر همواره گروه‌هایی از یهودیان به همراه ارمنی‌ها و آلمانی‌ها این کشور را ترک می‌گفتند، (۶۰) ولی روند مهاجرت یهودیان به اسرائیل پس از جنگ شش روزه از سرعت بیشتری برخوردار شد. (۶۱) پیش از آن در هنگام شکل‌گیری دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ برای تسریع در این روند تلاش زیادی صورت گرفته بود، که دولت استالین در برابر آن به شدت مقاومت کرد. (۶۲) در دهه ۱۹۷۰ حدود ۱۵۰ هزار یهودی از شوروی به اسرائیل مهاجرت کردند. (۶۳) عده زیادی از یهودیان اجازه مهاجرت نیافتند، و از بابت این تقاضا دچار محدودیت‌هایی نیز شدند. تمایل مهاجرت به اسرائیل همچنان در اتحاد شوروی از گسترش زیادی برخوردار بود. پس از جنگ «یوم کپور» در سال ۱۹۷۳ این فشار افزایش یافت. هر چند امریکا برای یهودیان اتحاد شوروی از جاذبه بیشتری برای مهاجرت برخوردار بود.

در طول دهه ۱۹۸۰ حدود ۲۰ هزار یهودی از اتحاد شوروی مهاجرت کردند. هر چند هدف آنان رفتن به اسرائیل بود، ولی بسیاری از آنها امریکا را برگزیدند. اجرای سیاست «گلاس نوست» و «تفکر جدید» گورباچف این مجال را گسترش بخشید. در ژانویه ۱۹۹۳ حدود ۵۳۲ هزار نفر از اتحاد شوروی به اسرائیل رفتند، که تا پایان ۱۹۹۴ تعدادشان به ۵۵۰ هزار نفر رسید. (۶۴) بسیاری از این افراد نه براساس انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی، بلکه بر پایه دلایل اقتصادی اتحاد شوروی را ترک می‌کردند. برای گروه‌هایی از آنها مهاجرت به اسرائیل با هدف رفتن به سرزمین موعود انجام نمی‌شد، بلکه در پی یافتن فرصت‌های بهتری برای زندگی خود بودند. در همان حال سازمان یهود

با تأسیس دفتری تلاش کرد، روند جدید مهاجرت یهودیان به اسرائیل را سازمان دهد. ۷۰ درصد این افراد از تحصیل کرده‌ها و دانشمندان اتحاد شوروی به شمار می‌آمدند. در پایان سال ۱۹۹۳ تعداد و ترکیب افرادی که با این موج به اسرائیل رفتند عبارت بودند از: ۵۷۴۰۰ مهندس و آرشیتکت، ۱۲۶۰۰ پزشک، ۱۲۲۰۰ پرستار، ۹۰۰۰ دانشمند، ۱۲۲۰۰ هنرمند و ۲۵۰۰۰ آموزگار. (۶۵) حضور این افراد از جامعه اتحاد شوروی در اسرائیل، به نوبه خود پیامدهای مهمی در عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی به همراه داشته است. دولت اسرائیل مراکزی را برای جذب مهاجران در جامعه اسرائیل با اجرای برنامه‌های مشخص تأسیس کرده، تا روند یکپارچه شدن آنها در جامعه اسرائیل را تسریع نماید. برخلاف سیاست‌های پیشین در مورد جذب و یکپارچه‌سازی مهاجرت‌ها، موج جدید یهودیان روسی به بازار آزاد ارجاع داده شدند، تا براساس توانایی‌های خود بتوانند به رفع مشکلاتشان بپردازند. برخلاف گذشته دولت برای خدمات اجتماعی و تأمین مسکن مهاجران جدید یهودی از اتحاد شوروی، تعهدات وسیعی بر عهده نگرفت.

اسرائیل برای دانشمندان و متخصصان روسی یهودی تسهیلاتی در نظر نگرفته بود. فقدان حمایت جدی و سازمان‌یافته دولت اسرائیل برای این مهاجران دشواری‌های زیادی برای آنان در برداشت. بسیاری از آنان با کسب حمایت بستگان و آشنایان خود توانستند به رفع مشکلاتشان بپردازند. موج جدید مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی که در پی فروپاشی ادامه یافت، سرمایه‌های عظیم انسانی و امواجی از کارشناسان و متخصصان روسی را به اسرائیل منتقل ساخت.

در موج جدید مهاجرت روشنفکران روس که به اسرائیل مهاجرت کردند، به انتقال فرهنگ سیاسی - اجتماعی روس به اسرائیل کمک کردند. روشنفکران مهاجر روس در اسرائیل به ایجاد نهادها و موسسات فرهنگی خاص خود پرداختند. آنها که حامل ابعاد گوناگون فرهنگ روسی بودند، یکپارچگی جامعه اسرائیل را با توجه به شکاف‌های درونی آن تحت تأثیر قرار دادند. مهاجران روس یک مرکز فرهنگی برای یهودیان مهاجر از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به وجود آوردند، که سخنرانی‌های آن به روسی و عبری انجام می‌شود. این مرکز گسترش فعالیت‌های فرهنگی با جذب هنرمندان از

جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی را دنبال می‌کند. سازمان دیگری به نام «سازمان سنت پترزبورگ» در اورشلیم تأسیس شد، که فرهنگ و تمدن روسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نهاد فرهنگی دیگری به نام «آزادی روسی» ایجاد شده که به مطبوعات و روزنامه‌های روسی زبان خدمات ارائه می‌کند. (۶۶)

با شکل‌گیری مهاجرت روس‌ها به اسرائیل، جمعیت آنان به تدریج به یک پنجم جمعیت اسرائیل یعنی حدود یک میلیون نفر رسید. (۶۷) تعداد زیادی نثریات روس زبان در اسرائیل انتشار می‌یابند. کانال‌های تلویزیونی مهمی در اسرائیل به آنان تعلق دارد، که تعداد زیادی از مردم اسرائیل از آنها استفاده می‌کنند. (۶۸) ترکیب جمعیت روس‌های مهاجر در اسرائیل امکان این حضور فعال را فراهم آورده است. تأثیر همه‌جانبه این افراد در اسرائیل زمینه را برای گسترش چشمگیر روابط روسیه و اسرائیل بهبود بخشیده است. بسیاری از این روس‌ها همچنان حاملان ایدئولوژی قدرت بزرگ در روسیه هستند. آنها در جریان نظام دوقطبی ساکنان یک ابرقدرت بودند. مهاجرت گسترده آنان در طول دهه ۱۹۹۰ به‌طور جدی ساختار اجتماعی اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده است.

حضور روس‌ها منازعه پیشین اشکنازی‌ها (یهودیان غربی تبار) و سفاردیم‌ها (یهودیان شرقی تبار) را نیز تحت تأثیر قرار داده است. تعداد مهاجران روس در دهه ۱۹۹۰ آنچنان عظیم بوده، که اسرائیل قادر به اجرای سیاست جذب و یکپارچه‌سازی در خصوص آنها نشده است. آنها توانسته‌اند با حضور وسیع خود، جامعه اسرائیل را در مسیر دگرگونی قرار دهند. این روند می‌تواند بر رشد تمایلات افراط‌گرایانه صهیونیست‌ها در اسرائیل نیز اثرگذار باشد، به لایه‌بندی‌های اجتماعی کمک کند، و حتی بر روابط با فلسطینی‌ها نیز اثرگذار باشد. گرایش‌های افراطی صهیونیست‌ها به‌ویژه در اورشلیم تأثیر وسیعی را بر روند تحولات داخلی اسرائیل بر جای می‌گذارد. رهبران آنها گروه‌هایی از پیروان خود را سازمان داده‌اند، که برای کسب منافع ویژه در اسرائیل تلاش زیادی انجام می‌دهند. حضور روس‌ها بر جنبه غیردینی دولت در اسرائیل تأثیرگذار است و می‌تواند تمایلات دولت یهودی را به‌گونه‌ای کاهش دهد. روس‌های مهاجر شرایط سفاردیم‌ها (یهودیان شرقی) را نیز تغییر می‌دهند. بسیاری از آنها که در

شرایط مادون اجتماعی قرار گرفته‌اند، در کنار یهودیان شرقی قرار می‌گیرند. آنها مانند اعراب ساکن اسرائیل که از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند، این شرایط را تجربه می‌کنند. بسیاری از روس‌ها در کنار این طبقات اجتماعی پایین در اسرائیل قرار گرفته‌اند. حضور یک میلیون روس در اسرائیل بیش از آنکه یک مجموعه مذهبی باشد، یک اقلیت قومی به شمار می‌آید. آثار سیاست‌های ضدالهی دولت اتحاد شوروی این یهودیان را نیز تحت تأثیر جدی قرار داده است. روس‌ها مایل نیستند در حد یک شهروند درجه دوم در اسرائیل زندگی کنند. آنها همچنین تحت تأثیر سیاست‌های دولت اتحاد شوروی، در مورد مسائل اعراب و اسرائیل در دهه‌های گذشته هستند. این حضور تحولات تازه‌ای را در جامعه اسرائیل در برخواهد داشت. جامعه‌ای که بسیاری از مردم آن، آینده فرزندان خود را در امریکا و اروپا جستجو می‌کنند. (۶۹)

ترکیب جمعیت روس‌ها در اسرائیل، اجازه تعمیق این نفوذ را می‌دهد تا بتوانند روند تحولات اجتماعی را تحت تأثیر جدی قرار دهد. روس‌ها در فدراسیون روسیه خاطره این افراد را از یاد نبرده‌اند. آنها به اساتید خود، به دانشجویان برجسته خود، و همسایگان یهودی خود همچنان علاقه دارند. آثار این علاقه در شکل‌گیری گروهی در دومای کشوری در روسیه بازتاب پیدا کرده است. (۷۰) رهبری این گروه با نماینده منطقه خودمختار یهودی‌نشین روسیه می‌باشد. این گروه شش اولویت را در فعالیت خود برای همکاری با اسرائیل مشخص کرده است:

- کسب حمایت عمومی و دولتی در مورد یهودیان مهاجر به اسرائیل، از کودکان و جوانان،

- حمایت‌های اجتماعی برای مهاجران سالخورده،

- توسعه همکاری‌های فنی و تکنولوژیک روسیه با اسرائیل،

- حل بحران سرمایه‌های روسی که به اسرائیل انتقال یافته،

- جلب سرمایه‌های اسرائیل برای اقتصاد روسیه،

- توسعه تجارت سودمند متقابل میان اسرائیل و روسیه. (۷۱)

تشکیل حزب روسی «با آلیا» توسط ناتان شارانسکی یکی از برجسته‌ترین اقدامات سیاسی - اجتماعی یهودیان مهاجر روس و جمهوری‌های پیرامون روسیه به اسرائیل

می‌باشد. شارانسکی سپس به عضویت پارلمان اسرائیل برگزیده شد، پس از آن به عنوان وزیر تجارت و صنایع اسرائیل انتخاب شد. او یکی از عوامل تأثیرگذار در گسترش روابط اسرائیل و روسیه است. (۷۲) در آغاز سال ۱۹۹۷ او به همراه هیأتی از سیاستمداران و بازرگانان اسرائیلی به روسیه سفر کرد، تا گسترش هر چه بیشتر روابط اقتصادی دو کشور را تسریع نماید.

پیروزی حزب «با آلیا» در انتخابات سال ۱۹۹۶ در تحولات سیاسی اسرائیل بی سابقه بود. (۷۳) این حزب به رهبری شارانسکی ناراضی پیشین اتحاد شوروی (با توجه به فروپاشی این امپراتوری) در شرایط جدید خاورمیانه بهره‌گیری از ظرفیت‌های گسترش روابط اسرائیل و روسیه را مورد توجه قرار داده است. این حزب که خود را میانه‌رو می‌خواند، با تأسیس دولت مستقل فلسطینی مخالف است، و با تأکید بر روند صلح خاورمیانه سیاست‌های خود را تنظیم می‌کند. شارانسکی روابط شخصی نزدیک با بنیامین ناتانیاهو نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و همسر او دارد.

به این ترتیب موج جدید یهودیان مهاجر از روسیه، با مهاجرت‌های پیشین آنها که در طول سال‌های امپراتوری به اسرائیل صورت گرفته بود، تفاوت‌های قابل ملاحظه دارد. (۱) آنها از روسیه متفاوتی آمده‌اند. برخلاف یهودیان پیشین که از شوروی به اسرائیل مهاجرت کردند، گروه‌های جدید به زبان عبری سخن نمی‌گویند، و یا به احکام یهود مقید و ملزم نیستند. حدود یک پنجم از آنان اساساً خود را یهودی نمی‌خوانند، و خود را غیر صهیونیست معرفی می‌کنند. در دوران اتحاد شوروی یهودی بودن یک ملیت تلقی می‌شد، نه یک ویژگی مذهبی، لذا بسیاری از روس‌های یهودی مهاجر به اسرائیل تحت تأثیر این سوابق قرار دارند. همچنین آنها حساسیت خاصی نسبت به مذهب یهود ندارند. (۲) مهاجرت یهودیان در دهه ۱۹۹۰ به اسرائیل مانند گذشته با احساسات صهیونیستی نبوده است. بسیاری از آنان به بهره‌گیری از شرایط جدید پرداخته‌اند. بسیاری از خانواده‌های یهودی نگران تمایلات ضد یهودی در روسیه، این امر را مورد توجه قرار داده‌اند. شاید بسیاری از آنها زندگی در امریکا را به اسرائیل ترجیح بدهند، ولی تنها امکان مهاجرت به اسرائیل برای آنها فراهم شده است. آنها انتخاب دیگری نداشته‌اند. در روند جدید برخلاف موج مهاجرت دهه ۱۹۷۰ تمایلات صهیونیستی

جایگاهی ندارد.

۳) همه مهاجران جدید از جامعه یهودی شناخته شده در روسیه نیستند. یهودیان در روسیه بسیار پراکنده هستند. بسیاری از آنان فاقد ارتباط مستمر با جامعه یهودیان بوده‌اند. به هر حال بسیاری از آنان اینک به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند، و در میان یهودیان روسی قرار گرفته‌اند.

برخلاف مهاجران پیشین شوروی به اسرائیل، گروه‌های جدید یهودی همچنان به روسی تکلم می‌کنند. این امر روند یکپارچه‌سازی و جذب، سیاست جدی اسرائیل، را با اشکال مواجه ساخته است. در پاسخ به این موضوع برخی از اسرائیلی‌ها سیاست خصمانه‌ای را نسبت به مهاجران روس در پیش گرفته‌اند. عدم الزام بسیاری از مهاجران روس به صهیونیسم، این احساسات را تقویت کرده است. برخی از اسرائیلی‌ها ویژگی‌های غیر صهیونیستی این افراد را موجب بروز تعارضات شدید در جامعه اسرائیل ارزیابی کرده‌اند. از این دیدگاه وارد شدن صدمه به مبانی صهیونیستی دولت اسرائیل مطرح شده است. در این راستا شکل‌گیری یک دولت معمولی یهودی در شرایط شکل‌گیری دولت‌های ملی قابل بررسی است. نهادهای صهیونیستی در اسرائیل برای مقابله با این گرایش‌ها به تلاش پرداخته‌اند. این موضوع به مباحث جدی در اسرائیل منجر شده است. با گسترش روابط دیپلماتیک روسیه و اسرائیل حتی برای فعالیت کلیسای ارتدوکس روسیه نیز در اراضی مقدس زمینه‌های مناسب فراهم شده است. (۷۴) پیروان کلیسای ارتدوکس روسیه با اعزام هیأت ویژه و ایجاد مرکزی در اورشلیم فعالیت‌های خود را سامان داده‌اند. هیأت روسی روابط خود را با کلیسای ارتدوکس اورشلیم گسترش داده است. پاتریارک الکساندر دوم رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه در رأس گروهی از زائران به سرزمین مقدس سفر کرد. عده‌ای از مقامات بلندپایه سیاسی مانند نمایندگان رئیس جمهوری و دومای روسیه او را همراهی کردند. (۷۵)

توسعه روابط اقتصادی و فنی

با حضور حدود یک میلیون روس در اسرائیل، بزرگترین گروه قومی روس خارج از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS در این کشور به وجود آمده است. توسعه

روابط سیاسی میان دو کشور و حمایت جدی روسیه از روند صلح خاورمیانه، از پیامدهای این واقعیت بوده است. همکاری‌های اقتصادی رو به گسترش یکی دیگر از نتایج تحولات ناشی از مهاجرت گسترده روس‌ها به اسرائیل در پایان جنگ سرد بوده است. در طول سال‌های ۹۷-۱۹۹۲ حجم صادرات اسرائیل به روسیه از ۴۴/۱ میلیون دلار به ۲۵۱/۵ میلیون دلار افزایش یافت. (۷۶) در همان حال واردات اسرائیل از روسیه از ۱۳/۴ میلیون دلار به ۱۳۴/۴ میلیون دلار رسید. (۷۷) اگر در سال‌های ۹۳-۱۹۹۱ تجارت دو کشور به مواد غذایی و کشاورزی مربوط بود، به تدریج به مبادلات در عرصه تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و صنعتی انتقال یافت. تولیدات گوناگون صنعتی در چارچوب گسترش روابط بازرگانی دو کشور مورد مبادله قرار گرفتند.

متخصصان اسرائیلی برای توسعه صنایع الکترونیک روسیه فعالیت خود را آغاز کردند. شرکت‌های مشاوره‌ای اسرائیلی در امور کشاورزی، با توجه به نیاز شدید این بخش در روسیه همکاری‌های خود را گسترش دادند. تجارب موفق این کشور در زمینه آبیاری کشاورزی و دستاوردهای مثبت آن برای شرکت‌های روسی جاذبه زیادی داشته است. آنها در عرصه‌های پزشکی و تجهیزات درمانی نیز روابط تجاری خود را گسترش دادند. این روابط به کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نیز گسترش یافت. اجرای پروژه‌های متعدد از سوی شرکت‌های اسرائیلی پس از استقلال فدراسیون روسیه در این کشور آغاز شده است. شایان ذکر است که اسرائیل می‌تواند برای بسیاری از بازرگانان و صنعتگران روسی، راه مناسبی برای دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته غربی در همه زمینه‌ها باشد.

مهاجرت ده‌ها هزار نفر از متخصصان روسی به اسرائیل، به نوبه خود زمینه را برای اجرایی شدن این همکاری‌ها تسهیل کرده است. این روند سبب بهبود چشمگیر سهم نیروهای متخصص در اسرائیل نسبت به جمعیت کل آن شده است. در حالی که در آمریکا از هر ۱۰ هزار نفر ۷۵ نفر مهندس هستند، با توجه به روند یاد شده این رقم در اسرائیل به ۱۳۰ نفر در ۱۰ هزار نفر رسیده است، (۷۸) این رقم با توجه به سطح تکنولوژی پیشرفته در اسرائیل بسیار حائز اهمیت است.

بسته شدن قرارداد همکاری‌های فنی و تکنولوژیک دو کشور در سال ۱۹۹۴ گامی در

تقویت این گرایش بود. (۷۹) کمیته‌ای برای تنظیم همکاری‌های دو کشور برای انتقال اطلاعات، تجهیزات ارتباطات دور و سیستم‌های گوناگون ارتباطی در همین راستا شکل گرفت. در این زمینه مبادله مهارت‌های فنی در خصوص پزشکی و بهداشتی، و نیز اهداف علمی و اقتصادی مختلف در دستور کار این کمیته قرار گرفت. فدراسیون روسیه و اسرائیل اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی را هدف قرار داده‌اند. دانشمندان دو کشور فعالیت وسیعی را در این مورد سازمان داده‌اند.

در طول دهه ۱۹۹۰ در میان مؤسسات و نهادهای تحقیقاتی و علمی اسرائیل و فدراسیون روسیه همکاری‌های گسترده‌ای شکل گرفت. این همکاری‌ها به بسته شدن قرارداد همکاری علمی و فنی دیگری در نوامبر ۱۹۹۵ منجر شد. آکادمی علوم روسیه و آکادمی علوم طبیعی و انسانی اسرائیل طرف‌های این قرارداد بودند، که در آن شرایط مبادله پژوهشگر در میان دو کشور معین شده بود. همکاری‌های فنی و علمی در همه زمینه‌ها گسترش یافت. در ژوئیه ۱۹۹۶ قرارداد دیگری در خصوص همکاری‌های مخابراتی و ماهواره‌ای به امضا رسید. (۸۰) در چارچوب همکاری‌های فنی و علمی دو کشور مبادله دانشجو نیز مورد توافق قرار گرفته است.

در نوامبر ۱۹۹۷ کمیته مشترک همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور، توسعه همکاری‌های صنعتی را تقویت کرد. ایجاد مرکزی در تکنوپارک در کرانه بالتیک در این راستا مورد توجه واقع شد. امکان انجام سرمایه‌گذاری مشترک از سوی دو کشور نیز مورد موافقت قرار گرفت، تا گسترش این همکاری‌ها با حمایت‌های مالی لازم پیش رود. هر چند در مسیر اجرای این توافق‌ها دشواری‌های گوناگون وجود داشته، ولی عزم سیاسی دو کشور آن را نادیده گرفته است. ظرفیت‌های مهمی که برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی روسیه و اسرائیل وجود دارد، به‌طور وسیعی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. (۸۱) میزان پیشرفت صنایع و تکنولوژی اسرائیل و بهره‌گیری آن از ظرفیت‌های عظیم کشورهای غربی به‌ویژه امریکا، و دسترسی آن به تکنولوژی فوق پیشرفته جاذبه زیادی را برای رهبران فدراسیون روسیه در برداشته است. کشوری که در پی فروپاشی اتحاد شوروی، رفع عقب‌ماندگی تکنولوژیک خود را به عنوان یک هدف استراتژیک مورد توجه قرار داده است. (۸۲) اسرائیل توانایی‌های قابل توجهی در این

زمینه در اختیار دارد، که مورد توجه فدراسیون روسیه قرار داشته است. انتقال گاز طبیعی از روسیه به اسرائیل از مسیر ترکیه، یکی از روشن‌ترین چشم‌اندازها برای اسرائیل در این رابطه بوده است. (۸۳)

روابط روسیه با کشورهای عرب و نیز جمهوری اسلامی ایران بر روند این همکاری‌های اثرگذار نبوده، و سبب اختلال در آن نشده است. روسیه در همان حال که روند صلح در خاورمیانه و پایان دادن به منازعه اعراب و اسرائیل را مطرح می‌سازد، توسعه روابط همه‌جانبه با جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کند. روسیه با جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و اسرائیل روابط گسترده اقتصادی به وجود آورده، و سعی کرده دیدگاه سیاسی این کشورها را، از تأثیر بر روابط اقتصادی دور نگه دارد. نیازهای هر یک از این کشورها به نوبه خود امکان اجرای این سیاست را به روسیه داده است.

اعراب و اسرائیل و نیز جمهوری اسلامی ایران و ترکیه با توجه به مزایای این روابط، تداوم آن را مورد توجه قرار داده‌اند. حضور یک میلیون روس در اسرائیل زمینه را برای ارتباط پایدار سیاسی - اقتصادی - اجتماعی فدراسیون روسیه با این کشور مساعد ساخته، و رهبران اسرائیل و روسیه به خوبی از آن بهره گرفته‌اند. روسیه با توسعه روابط اقتصادی خود با همه کشورهای خاورمیانه، بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی را برای مقابله با افراط‌گرایی، از هر مدل و شکل آن را به‌طور جدی دنبال کرده است. رهبران فدراسیون روسیه مزایای گسترده‌ای را از اجرای این سیاست به دست آورده‌اند.

افزایش روابط تجاری روسیه و اسرائیل در سال‌های ۹۷-۱۹۸۰ با رشد ۲۸۹ درصدی به‌طور رسمی و ۱۸۶ درصدی به‌طور واقعی همراه بوده است. (۸۴) این ارقام به خوبی تحول عمیق و گسترده در روابط تجاری دو کشور را روشن می‌سازد. دیدار هیأت‌های متعدد از فدراسیون روسیه که چهره‌های برجسته سیاسی - اقتصادی آنها را تشکیل داده بودند، (۸۵) به خوبی بیانگر توجه شدید فدراسیون روسیه به گسترش همکاری‌های همه‌جانبه با اسرائیل و ادامه آن بوده است. توسعه روابط روسیه و اسرائیل در سال‌های پس از فروپاشی تحت تأثیر تحولات جهانی، منطقه‌ای و داخلی روندی پرشتاب داشته است. هر دو کشور در ادامه این سیاست منافع مهمی را خود قابل دسترسی یافته‌اند. توجه مجدد روسیه به خاورمیانه و نیازهای روسیه و اسرائیل در

سطح منطقه به یکدیگر این روند را تقویت کرده است.

فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران

در نخستین سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی، یلتسین و وزارت امور خارجه روسیه در چارچوب سیاست‌های غرب‌گرایانه خود، جمهوری اسلامی را به عنوان منبع «تهدید اسلامی» مورد ارزیابی قرار دادند. (۸۶) البته این نگرش سبب قطع روابط نشد، و کوزیرف در مارس ۱۹۹۳ با دیدار از تهران سعی کرد روابط دو کشور را بهبود بخشد. (۸۷) در این دوره تحت تأثیر روابط بسیار خوش‌بینانه با آمریکا و امضاء بیانیه دوستی و همکاری آمریکا و روسیه در ژوئیه ۱۹۹۲، (۸۸) و نیاز شدید روسیه به کمک‌های آمریکا برای بازسازی اقتصادی خود، روابط با جمهوری اسلامی ایران از اهمیت برخوردار نبود. در این دوران روسیه برای نمایش عمق همکاری خود با آمریکا در سال ۱۹۹۳ از فروش موتورهای موشکی به هند انصراف حاصل کرد. (۸۹) در این مدت وزارت امور خارجه روسیه اولویت روابط خود را با جمهوری‌های پیرامون خود و نیز غرب قرار داده بود. نه تنها از نظر مسائل سیاسی - امنیتی، بلکه از نظر مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز گسترش روابط با غرب در اولویت ویژه قرار داشت.

ولی به زودی با تحولاتی که در پیرامون روسیه، «در خارج نزدیک»^۱ رخ داد، (۹۰) و رشد افراط‌گرایی در داخل روسیه، با پیروزی ولادیمیر ژیرینفسکی رهبری روسیه ضرورت تحول در سیاست خارجی این کشور را پذیرا شد. این مسأله سبب تغییر جدی در روابط با جمهوری اسلامی ایران نیز گردید، که در پی‌گیری مذاکرات صلح در تاجیکستان نقش موثری را در کنار روسیه ایفا کرد. روند افزایش اختلاف نظر میان روسیه و آمریکا در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مانند بالکان، قفقاز و خاورمیانه این تحول را تسریع کرد. روسیه پذیرفت براساس ویژگی‌های ژئوپلیتیکی خود باید نقش برجسته‌ای را در مناطق آسیایی ایفا کند. (۹۱) کوزیرف نیز هر چند به عنوان چهره‌ای به شدت هوادار غرب شناخته شده بود، ناچار از پذیرش واقعیت‌های ناشی از این ویژگی‌ها گردید. هر

۱. جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی.

چند حمله نظامی امریکا به مرکز اطلاعاتی بغداد متحد سنتی روسیه، پیش از آن مورد تأیید قرار گرفته بود، روسیه کوشید در روابط خود با عراق نیز تغییرات را به وجود آورد. فشارهای داخلی برکوزیرف، به ویژه از درون پارلمان باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. (۹۲)

ایفای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در جنگ داخلی تاجیکستان و عدم مداخله این کشور در تحولات منطقه قفقاز و جدایی طلبی در چچن، برای فدراسیون روسیه زمینه مناسبی را برای بهره گیری از ظرفیت های ایران در آسیای مرکزی و قفقاز ارائه کرد. هر چند بازگشت روسیه به خاورمیانه اساساً با گرایش اقتصادی تقویت می شد، ولی همکاری رو به افزایش با جمهوری اسلامی ایران اساساً تحت تأثیر تمایلات سیاسی - امنیتی آن بود. در همان حال ایران می توانست امکانات وسیعی را برای گسترش همکاری های اقتصادی و فنی ارائه کند، که در همکاری دو کشور برای اتمام پروژه نیروگاه هسته ای بوشهر بازتاب آن مشخص شد. (۹۳)

سفر خاورمیانه ای چرنومردین در نوامبر ۱۹۹۴ پیش از آنکه تحت تأثیر اهداف سیاسی باشد، اقتصادی بود. بسته شدن پیمان همکاری های اقتصادی با کویت، عمان، عربستان سعودی در این چارچوب قابل تحلیل می باشد. (۹۴) بهبود روابط با مصر، سوریه، عراق و لیبی نیز ادامه یافت. فروش زیردریایی از سوی روسیه به جمهوری اسلامی ایران با تهدید کنگره امریکا برای قطع کمک های اقتصادی مواجه شد. (۹۵) ولی این سیاست به گونه ای بیان استقلال طلبی روسیه از نفوذ امریکا در منطقه و جهان بود. بر خلاف مورد همکاری موشکی که با هند متوقف شد، همکاری هسته ای روسیه با ایران ادامه یافت. پای بندی جمهوری اسلامی به مقررات آژانس بین المللی هسته ای، همواره در برابر فشارهای امریکا در مورد همکاری هسته ای دو کشور از سوی رهبران روسیه مورد تأکید قرار گرفته است.

جایگزین شدن یوگنی پریماکوف به جای آندره کوزیرف، سبب بهبود روزافزون سیاست خاورمیانه ای روسیه و نیز روابط با جمهوری اسلامی ایران گردید. او که همواره منافع سنتی روسیه را مورد تأکید قرار داده، ضرورت ایفای نقش یک قدرت بزرگ از سوی این کشور را مطرح می ساخت. پریماکوف توسعه نفوذ فدراسیون روسیه در جهان

اسلام را یکی از مهم‌ترین اهداف خود قرار داده است. توسعه روابط با جمهوری‌های اسلامی ایران به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز از نکات مورد توجه او بود. (۹۶) در این دوره روند بهبود و گسترش روابط دو کشور، با توجه به اشتراکات گسترده در نگرش به مسائل منطقه‌ای و جهانی ادامه یافت. زمینه‌های مناسب توسعه همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های داخلی این روند را تقویت کرده است.

بسته شدن قرارداد ساخت هواپیماهای روسی در ایران، زمینه‌ساز گسترش روزافزون روابط فنی و اقتصادی دو کشور گردید. همکاری‌های فنی و نظامی ایران و روسیه دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. با توجه به شکاف روزافزون در دیدگاه‌های امریکا و روسیه، همکاری فدراسیون روسیه با ایران فرصت‌های مناسبی را برای بهره‌گیری این کشور از امکان چانه‌زنی در روابط خود با ایالات متحده فراهم آورده، که به خوبی مورد استفاده قرار گرفته است. نقش برجسته ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی آن برای روسیه بسیار حائز اهمیت بوده است. (۹۷) ایران این زمینه‌ها را برای توسعه روابط سازنده و مسالمت‌جویانه اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار داده است.

روسیه که در برابر اصرار امریکا بر گسترش هنجارهای غربی در این کشور، نقش انحصاری آن را در تحولات جهانی مورد اعتراض قرار داده، ایجاد یک نظام چند قطبی را در پی فروپاشی اتحاد شوروی دنبال کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با رودرویی با ایالات متحده در این چارچوب مورد توجه قرار گرفته است. جهت‌گیری‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی دو کشور، سبب نزدیکی فزاینده آنها از سال ۱۹۹۵ به بعد شده است. توسعه روابط با اسرائیل تحت تأثیر نفوذ قدرتمند یهودیان در این کشور، و مهاجران یهودیان روس به اسرائیل این روند را تحت تأثیر قرار نداده است. مزایای توسعه روابط با ایران به‌ویژه از نظر سیاسی - امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز غیرقابل چشم‌پوشی بوده است. کانون‌های متعددی در روسیه سبب عدم توازن در سیاست خارجی منطقه‌ای آن بوده است. (۹۸)

دوما به عراق توجه داشته، وزارت امور خارجه (دوران پریماکوف) به فلسطین توجه داشته، کرملین تحت نفوذ لابی یهودی‌ها قرار داشته، و مجتمع نظامی به دنبال فروش

سلاح به ترکیه بوده، در حالی که دولت فدراسیون روسیه سرکوب نظامی کردهای این کشور را مردود می‌داند. این ناسازگاری‌ها سبب بروز تناقضاتی در روابط روسیه با کشورهای خاورمیانه گردید. اجرای قانون تحریم امریکا علیه ایران و لیبی که کنگره امریکا در سال ۱۹۹۶ آن را تصویب کرد، فرصت را برای بهره‌گیری روسیه از وضعیت روابط خارجی ایران مهیاتر ساخت. در پی اعمال فشار دولت امریکا بر شرکت‌های توتال (فرانسه) و گازپروم (روسیه) و پتروناس (مالزی) فرصت‌های جدیدی برای این کشور به وجود آمد.

هر چند نزدیکی فزاینده ایران و روسیه پیوسته مورد اعتراض امریکا قرار داشته، ولی روسیه همواره همکاری‌های فنی و اقتصادی و به‌ویژه هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب منافع خود دنبال کرده است. پوسووالیوک معاون پریماکوف در برابر انتقاد مقامات امریکایی، بر تعهد ایران به قوانین آژانس بین‌المللی انرژی تأکید کرده و منطق تجهیز همسایه روسیه به سلاح هسته‌ای را زیر سؤال برده است. (۹۹)

به هر حال حجم تجارت ایران و روسیه که در سال ۱۹۹۳ حدود ۷۲۳ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۹۶ به ۲۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۷ به ۵۵۰ میلیون دلار رسید. این ارقام به خوبی نشان می‌دهد ظرفیت اقتصادی روابط دو کشور به هیچ وجه مورد استفاده قرار نگرفته است، و اساساً ملاحظات سیاسی بر روابط دو کشور سایه انداخته است. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه تحت تأثیر نگرش خود نسبت به مسائل جهانی و منطقه‌ای همکاری‌های خود را گسترش داده‌اند، (۱۰۰) ولی این گسترش در عرصه‌های فنی و اقتصادی ما به ازای مناسب خود را پیدا نکرده است. ریشه‌های غرب‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، و بازتولید باور به غرب در میان نخبگان سیاسی و فکری این روند را تحت تأثیر قرار داده است. در دیدار دکتر کمال خرازی از مسکو در فوریه ۱۹۹۸ یوگنی پریماکوف اعلام کرد، روسیه تنها به روابط نظامی راضی نیست و مایل است روابط خود با ایران را در همه زمینه‌ها توسعه دهد.

امریکا با حساسیت روند همکاری دو کشور را تحت نظر داشته، و اساساً یکی از محورهای ملاقات‌های رهبران امریکا و روسیه در سال‌های پس از فروپاشی، چگونگی روابط فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران بوده است. روشن است که این

وضعیت فراهم آورنده فرصت‌های خوبی برای فدراسیون روسیه و تقویت توان چانه‌زنی آن در برابر امریکا بوده است. ایران در ایجاد کمربند ایمنی و دوستی در پیرامون روسیه جای بسیار مهم و حساسی را به خود اختصاص داده، (۱۰۱) روسیه به خوبی به آن توجه کرده است. رهبران روسیه فدراسیون به خوبی توجه دارند که بدون همکاری با جمهوری اسلامی ایران جنگ در تاجیکستان پایان نمی‌یافت، هر چند ظهور طالبان روند صلح را تسریع کرد. (۱۰۲) سفیر پیشین روسیه در تهران مدل همکاری دو کشور از تاجیکستان را برای بهره‌گیری در موارد مشابه مناسب خواند. (۱۰۳) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر مسائل جدایی طلبان چچن درستی این برداشت را به خوبی روشن ساخت. در بحرانی‌ترین شرایط در جمهوری خودمختار چچن، ایران که ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را بر عهده داشت، توانست دیدگاه خود را در خصوص عدم مداخله در مسائل داخلی این منطقه در جهان اسلام تقویت کند. این اقدام برای فدراسیون روسیه بسیار ارزشمند بود.

همکاری‌های نظامی ایران و روسیه در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی ابعاد ویژه‌ای پیدا کرده است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ روسیه سه زیر دریایی، ۲۰۰ تانک تی ۷۲، ۲۰ سوخوی ۲۴ و ۸ میگ ۲۹ به ایران فروخت. ایران همچنین توانسته امتیاز ساخت تانک تی ۷۲ و تجهیزات رزمی ب ام پ را به دست آورد. کارشناسان نظامی روسی نیز در آموزش و ارتقاء عملکرد نظامیان ایرانی تلاش زیادی انجام داده‌اند. انتقال سیستم‌های پیچیده نظامی نیز در چارچوب همکاری‌های دو کشور صورت گرفته است. آموزش گروهی از نظامیان ایرانی نیز در آموزشگاه‌های نظامی فدراسیون روسیه دنبال شده است. (۱۰۴)

همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، با توجه به نگاه دو کشور به تلاش‌های امریکا برای سلطه بر جهان، و نیز علایق ترکیه برای نفوذ در منطقه خزر تقویت شده است. هر دو کشور این منطقه را حوزه علایق حیاتی خود می‌دانند، و به شدت با حضور نیروهای بیگانه در هر شکل ممکن مخالف هستند. با توجه به میزان وابستگی و ارتباط جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با روسیه، جمهوری اسلامی ایران نیز کوشیده روند همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کند. تمرکز ایران بر مسائل

اقتصادی و فرهنگی در منطقه، و پرهیز از دخالت در امور سیاسی این کشورها، چشم‌انداز روشنی را برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای فراهم آورده است.

جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه همکاری‌های خود را در عرصه انرژی هسته‌ای گسترش داده‌اند. هر چند این همکاری در زمینه بهره‌گیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای می‌باشد، ولی به مسأله مهمی در روابط فدراسیون روسیه با آمریکا و اسرائیل تبدیل شده است. آمریکا و اسرائیل از سال ۱۹۹۵ که این قرارداد بسته شده، همواره برای لغو آن کوشیده‌اند. در سال ۱۹۹۵ طبق قرارداد آل‌گور - چرنومردین، معاون رییس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر روسیه، روسیه پذیرفت از تحویل سلاح‌های جدید به ایران خودداری کند. در برابر این تعهد آمریکا نیز محدودیت صادرات برخی از تولیدات مربوط به تکنولوژی‌های پیشرفته به روسیه را از میان برداشت. این توافق در هر دو کشور با برداشت‌های متفاوتی روبه‌رو بود. در روسیه به عرصه سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی موشکی ارتباط داده می‌شد، و در آمریکا آن را به فروش انواع سلاح‌ها به ایران مربوط می‌دانستند. به هر حال دولت کلینتون اصرار داشت، در چارچوب این توافق نباید دولت روسیه سیستم‌ها و تکنولوژی‌هایی را به ایران تحویل دهد، که به ارتقای توان نظامی آن بیانجامد و توازن قوا در خلیج فارس را برهم زند. (۱۰۵)

این اختلاف نظرها در دوران پوتین نیز ادامه یافت. ولی او براساس منافع اقتصادی روسیه خروج خود را از این توافق اعلام کرد. (۱۰۶) پوتین ادامه همکاری با جمهوری اسلامی ایران و بازسازی تجهیزات و سیستم‌های ارسالی در دوران اتحاد شوروی را در دستور کار خود قرار داد. از دست دادن بازار وسیع اسلحه در ایران و مزایای عظیم اقتصادی آن برای روسیه قابل پی‌گیری نبود. به این ترتیب روسیه در برنامه ۲۵ ساله بازسازی نیروی نظامی ایران جایگاه خود را تثبیت کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز تمایل خود را به دریافت سیستم‌های گوناگون پیشرفته ابراز کرده، که با استقبال دولت پوتین همراه بوده است.

امریکا و اسرائیل همواره با حساسیت بسیار ابعاد این همکاری را مورد توجه قرار داده‌اند. آنها از انتقال تکنولوژی سلاح‌های هسته‌ای و موشکی به ایران سخت نگران هستند. (۱۰۷) تنش میان فدراسیون روسیه و آمریکا در زمینه همکاری‌های هسته‌ای روسیه

و ایران با فراز و نشیب زیاد در سال‌های گذشته ادامه داشته است. از نظر امریکایی‌ها همکاری روسیه با ایران در به پایان رساندن نیروگاه بوشهر به تکمیل توانایی هسته ایران و ساخت سلاح هسته‌ای توسط این کشور یاری می‌رساند. دولت روسیه متقابلاً این همکاری را در چارچوب اهداف صلح‌آمیز برآورده کرده است. از دید روسیه امریکا بیشتر به ملاحظات اقتصادی خود توجه دارد، و فرصت‌های از دست رفته را دنبال می‌کند. روسیه در تایید دیدگاه خود به نحوه همکاری مشابه امریکا با کره شمالی در این زمینه استناد می‌کند. آمادگی ایران برای بازرسی نیروگاه بوشهر و اثبات اهداف صلح‌جویانه آن همواره مورد استناد مقامات روسی بوده است.

نگرانی دیگر امریکا و اسرائیل از همکاری‌های نظامی ایران و روسیه، به کمک‌های این کشور برای توسعه توانایی‌های موشکی ایران مربوط بوده است. مقامات امریکایی مدعی هستند روس‌ها هم تکنولوژی موشکی پیشرفته را به ایران انتقال می‌دهند، و هم سیستم ارتباط ماهواره‌ای را که توان بهره‌گیری نظامی هم برای آن وجود دارد، در اختیار ایران قرار می‌دهند. در فوریه ۱۹۹۸ وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که نه با ایران، و نه هیچ کشور دیگری در خاورمیانه برای انتقال تکنولوژی موشکی همکاری نمی‌کند. (۱۰۸) ولی امریکا با ادعای همکاری برخی مؤسسات روسی با ایران در این زمینه، تحریم‌هایی را در مورد آنها اعمال کرده است. این بحث‌ها در طول سال‌های گذشته ظرفیت مناسبی را برای تنظیم روابط روسیه با امریکا در برداشته است.

در مارس ۱۹۹۹ آناتولی شارانسکی که بعد وزیر تجارت و صنعت اسرائیل شد، روسیه را به دلیل عدم توجه جدی به قطع همکاری‌های استراتژیک نظامی با ایران مورد سرزنش قرارداد. (۱۰۹) اسرائیل لغو قرارداد خرید گاز طبیعی خود را از روسیه مطرح ساخت. در پاسخ به این اتهامات مقامات روسی همواره از عدم ارائه شواهد و مدارک قابل قبول از سوی امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها سخن گفته‌اند، و ادعای این دو کشور در خصوص انتقال تکنولوژی پیشرفته موشکی به ایران را رد کرده‌اند. سفر ژنرال لئونید ایواشف در رأس یک هیأت از نظامیان بلندپایه روسی در ژوئیه سال ۲۰۰۰، بر نگرانی‌های امریکا و اسرائیل در خصوص پیامدهای همکاری‌های نظامی تهران و مسکو افزود. تقویت همکاری دو کشور در عرصه‌های گوناگون نظامی حاصل این سفر بود. دو

کشور در مورد توسعه ناتو و درگیر شدن آن در مسائل قفقاز جنوبی، توازن قوا در خاورمیانه و تحولات افغانستان دیدگاه‌های مشابهی را ابراز کرده بودند. برای پوتین توسعه روابط پایدار با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند پاسخگوی نیازهای این کشور در خاورمیانه و منطقه خزر باشد.

حاکمیت یافتن طالبان در افغانستان، با توجه به تجربه همکاری ایران و روسیه در تاجیکستان، شرایط را برای نزدیکی بیشتر دو کشور فراهم ساخت. ماهیت و عملکرد دولت طالبان و تهدیدات امنیتی - نظامی ناشی از آن هم برای جمهوری اسلامی ایران و هم برای منطقه خزر و حتی درون فدراسیون روسیه این نزدیکی را تقویت کرد. حضور بیست میلیون مسلمان سنی مذهب در داخل فدراسیون روسیه، تهدید اسلام‌گرایی طالبانی را بسیار جدی ساخته بود. (۱۱۰) تجارب جدایی طلبی در چچن و داغستان و نفوذ عوامل طالبان در آن، به همراه دغدغه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در همسایگی افغانستان روند همکاری‌های دو کشور را تقویت کرد.

پس از بحران مالی اوت ۱۹۹۸ در روسیه و تشدید نیازهای اقتصادی روسیه نسبت به غرب، به‌ویژه آمریکا، بار دیگر تأثیر روابط روسیه و آمریکا بر کیفیت روابط با جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید. تأخیر در به پایان رساندن پروژه نیروگاه بوشهر سبب بروز تردید در اهداف و سیاست‌های فدراسیون روسیه گردید. با اجرای سیاست‌های روسیه در برابر جمهوری اسلامی ایران چنین به نظر می‌رسد که روسیه تلاش دارد حداکثر نفوذ خود را در ایران تامین نماید، و در همان حال حداقل زیان و آسیب را در این زمینه از آمریکا متحمل گردد.

بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای مازندران، و خطوط انتقال انرژی از این منطقه به یکی از محوری‌ترین مسائل در روابط ایران و روسیه تبدیل شده است. پس از استقلال جمهوری‌های حاشیه این دریا و تبدیل دو کشور ساحلی به پنج کشور، مسائل دریای مازندران دچار پیچیدگی‌های بسیاری شده است. در این روند ملاحظات سیاسی به‌طور جدی مسائل اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. (۱۱۱) برای فدراسیون روسیه انتقال انرژی منطقه خزر از بندر نوروسیسک (مسیر سنتی دوران اتحاد شوروی) می‌تواند مزایای سیاسی و اقتصادی چشمگیری را ارائه نماید. لذا برای این کشور نحوه انتقال

انرژی به بازارهای جهانی اهمیت جدی دارد. همین مسأله برای جمهوری اسلامی ایران اقتصادی‌ترین و امن‌ترین و باصرفه‌ترین مسیر جغرافیایی برای تحقق این هدف وجود دارد. ولی از آنجا که همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به تنوع مسیرهای انتقال انرژی توجه دارند، دو کشور باز هم می‌توانند در چارچوب همکاری خود این سیاست را دنبال کنند. امریکا، ترکیه، و آذربایجان خط لوله باکو - جیحان (در کنار دریای مدیترانه) را مورد توجه قرار داده‌اند. امریکا برای اجرای سیاست مهار خود علیه جمهوری اسلامی ایران، حاضر به پرداخت هزینه سنگین این انتخاب شده است. اهمیت انتقال انرژی از این منطقه امنیت و سیاست در افغانستان و پاکستان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در بحبوحه توسعه حضور نظامی طالبان، و در شرایطی که هنوز آنان قدرت سیاسی خود را تثبیت نکرده بودند، شرکت‌های نفتی در مورد انتقال انرژی از مسیر افغانستان و پاکستان به تبادل نظر پرداخته بودند. (۱۱۲) شرکت یونوکال امریکایی، بریداس آرژانتین و دلتای عربستان سعودی در این زمینه مشارکت داشتند.

دو کشور در جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود، به ویژه در پایان جنگ سرد و در برابر سیاست‌های امریکا برای ایجاد یک نظام سلسله‌مراتبی به رهبری خود، با یکدیگر سازگاری چشمگیری را آشکار ساخته‌اند. این هم‌نوازی سبب تقویت روزافزون همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه شده است. اشتراک دیدگاه دو کشور در تحولات بالکان در ابعاد وسیع خود را نمایان ساخت. (۱۱۳) مواضع واقع‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران در برابر حوادث چین، برای دولت فدراسیون روسیه محک خوبی برای اثبات مزایای گسترده ناشی از توسعه روابط با ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به مشکلات نظام فدرال در روسیه و مداخلات بیگانگان در مسائل قفقاز، از درگیر شدن در مسائل این منطقه خودداری کرده است. رفتار ایران در قبال سیاست فدراسیون روسیه در بحران چین، برای این کشور بسیار حائز اهمیت بوده است.

تأثیر توسعه روابط روسیه و اسرائیل بر جمهوری اسلامی ایران

فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در امتداد سیاست خارجی میخائیل گورباچف آخرین دبیر کل اتحاد شوروی، توسعه روابط با کشورهای جهان را

در چارچوب ملاحظات اقتصادی و سیاسی جدید مورد توجه قرار داد. برای فدراسیون روسیه که در چارچوب نگاه غرب‌گرایانه در سیاست خارجی آن، جمهوری اسلامی ایران یک «تهدید» برآورد می‌کرد، به‌زودی روشن شد که با این کشور دارای منافع همساز متعددی است. (۱۱۴)

وقوع تحولات پی در پی در قفقاز و آسیای مرکزی، حتی در درون مرزهای فدراسیون روسیه ضرورت دگرگونی در روابط با ایران آشکار ساخته است. سازگاری منافع دو کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برای رهبران روسیه غیر قابل چشم‌پوشی نموده است. (۱۱۵) همکاری دو کشور در جریان جنگ داخلی تاجیکستان و بازگشت صلح و ثبات به این کشور برای روسیه بسیار اهمیت داشته است. دو کشور در منطقه دریای خزر نیز در برابر توسعه نفوذ بیگانگان علایق مشترکی را ملاحظه کرده‌اند.

در حالی که امریکا سیاست مهار (سدبندی) علیه ایران را به کار گرفته، در برابر روسیه نیز نوعی سدبندی جدید را دنبال کرده است. امریکا به‌طور پی‌گیر سیاست محدودسازی دو کشور و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها در منطقه دریای مازندران و پیرامون آن را دنبال کرده است. این امر سبب توسعه فزاینده روابط دو کشور شده است. محصور شدن فدراسیون روسیه در مرزهای آن و بازداشتن ایران از توسعه نفوذ طبیعی و کارساز خود در آسیای مرکزی و قفقاز، سبب گردید دو کشور در عرصه‌های گوناگون روابط خود را توسعه دهند. مزایای این سیاست برای هر دو کشور بسیار مهم بوده است. هر چند جمهوری اسلامی ایران به دلیل تعارض پایدار با امریکا نتوانسته مانند فدراسیون روسیه از مزایای چانه‌زنی در خصوص روابط با روسیه بهره‌مند گردد.

منافع متنوع ناشی از توسعه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی حتی اجتماعی و فرهنگی برای فدراسیون روسیه جاذبه‌های زیادی را در برداشته، که تحت تأثیر علایق اسرائیل و نگرانی‌های آن قرار نمی‌گیرد. برای روسیه بهر حال اسرائیل کشوری همبسته و همساز با امریکا است. هر چند توسعه روابط با آن می‌تواند در روابط روسیه و امریکا اثرگذار باشد، ولی فشارهای اسرائیل برای تحدید روابط فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران کارساز نبوده است. منافع ناشی از این همکاری آن چنان عظیم است، که غیر قابل چشم‌پوشی می‌باشد. همکاری گسترده

اسرائیل با ترکیه، در امتداد اهداف منطقه‌ای امریکا در قفقاز و آسیای مرکزی از نظر فدراسیون روسیه نامطلوب تلقی می‌شود.

جهت‌گیری همکاری‌جویانه رو به گسترش اسرائیل با ترکیه، و رقابت سیاسی - اقتصادی فدراسیون روسیه با این کشور در منطقه خزر، به ویژه در موضوع انتقال انرژی از منطقه و دریای خزر این نزدیکی را چالش‌انگیز ساخته است. پیچیدگی روابط کنونی در قفقاز و آسیای مرکزی، روابط روسیه با ترکیه و امریکا بر روابط این کشور با اسرائیل نیز اثرگذار بوده است. براساس مطالب ارائه شده علل و عوامل متعددی تسهیل‌کننده توسعه روابط روسیه و اسرائیل بوده‌اند. بر خلاف تعارض آشتی‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به ویژه در مورد حقوق مردم فلسطین، برای دولت روسیه آنچه حایز اهمیت است منافع اقتصادی - سیاسی اش می‌باشد. این تعارضات تنها در چارچوب ملاحظات روسیه معنی می‌یابد. لذا علی‌رغم ارتباط مناسب دیپلماتیک و اقتصادی با هر دو کشور، روسیه خود را ناگزیر به انتخاب نیافته، و می‌کوشد منافع خود را با بهره‌گیری از فضای موجود از منطقه خاورمیانه در توسعه روابط با هر دو کشور افزایش دهد.

جمع‌بندی

اتحاد شوروی که در شکل‌گیری اسرائیل در پایان جنگ جهانی دوم نقش تعیین‌کننده‌ای داشت، با استحکام نظام دوقطبی و در چارچوب تعارض اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری با اسرائیل به عنوان هم‌پیمان ایالات متحده روابط سردی را سازمان داد. به دلیل اینکه اسرائیل از عوامل امریکا در خاورمیانه به شمار می‌آمد، در طول دوران جنگ سرد اتحاد شوروی گسترش روابط همه‌جانبه با دشمنان آن را در دستور کار خود قرار داده بود. در این دوران مسأله مهاجرت یهودیان از شوروی به اسرائیل، همواره یکی از مهم‌ترین محورهای مباحث شرق و غرب را تشکیل داده بود. جنگ‌های اعراب و اسرائیل این رویارویی را شدت بخشید. امریکا و شوروی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در تعارض با یکدیگر متحدان خود را در خاورمیانه حمایت می‌کردند.

از نیمه دهه ۱۹۸۰ اجرای «تفکر جدید» گورباچف فصل جدیدی را در روابط اتحاد شوروی و اسرائیل گشود. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های این تحول افزایش چشمگیر مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی به اسرائیل بود، که امروز بزرگترین جمعیت مهاجران در این کشور را تشکیل داده‌اند. با آغاز روابط دیپلماتیک شرایط برای توسعه روزافزون روابط دو کشور در همه عرصه‌ها مهیا گردید. همکاری اتحاد شوروی با آمریکا در جریان جنگ دوم خلیج فارس (حمله صدام به کویت) بیانگر دگرگونی عمیق در سیاست خاورمیانه‌ای اتحاد شوروی بود، که در دوران پس از فروپاشی ادامه یافت.

اتحاد شوروی پس از پایان جنگ عراق با کویت، از حامیان تحریم بین‌المللی علیه رژیم عراق بود. رهبری فدراسیون روسیه نیز پس از استقلال این کشور کوشید، روابط خود با کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را عمدتاً در چارچوب ملاحظات اقتصادی سازمان دهد. مسکو تلاش خود را برای مشارکت در فرایند صلح خاورمیانه شدت بخشید. هر چند با تحول در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای یلتسین، و به‌ویژه انتخاب پریماکوف به عنوان وزیر امور خارجه روسیه توجه به این منطقه بیشتر شد، ولی فدراسیون روسیه در میان کشورهای منطقه بیشتر به کشورهای نفت خیز با قدرت خرید تسلیحات روسی توجه داشته است.

با توسعه نفوذ یهودیان در امور اقتصادی - سیاسی روسیه، روند بهبود روابط روسیه و اسرائیل از شدت بیشتری برخوردار شد. حضور یک میلیون مهاجر از جمهوری‌های مختلف اتحاد شوروی در اسرائیل، ظرفیت این تحول را افزایش داده است. دیدار مقامات دو کشور زمینه را مهیاتر ساخت و مسکو به‌طور منظم برای بهبود جایگاه خود در فرایند صلح خاورمیانه تلاش خود را شدت بخشید. برخلاف برخی تحولات داخلی در فدراسیون روسیه، روند توسعه روابط همه‌جانبه فدراسیون روسیه و اسرائیل ادامه یافته است. هر چند برخی گرایش‌های ضد یهودی در داخل روسیه این مسأله را مورد حمله قرار داده‌اند.

همکاری‌های فرهنگی - اجتماعی زمینه‌های مساعد توسعه روابط دو کشور را بیش از پیش تقویت کرده، قرار داد همکاری نظامی و امنیتی دو کشور نیز از اهمیت جدی برخوردار بوده است. همکاری‌های علمی و تحقیقاتی هم به‌وجود آمده است. این

تحولات از نیمه دهه ۱۹۸۰ با توسعه فزاینده روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه همراه گردیده است. با توجه به دگرگونی در سیاست خارجی روسیه به ویژه در منطقه خاورمیانه، همکاری با جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون برای روسیه بسیار اهمیت دارد. همکاری ایران با روسیه در برقراری صلح در تاجیکستان به خوبی اهمیت این روابط را روشن کرده است. نگرانی هر دو کشور از گسترش اسلام طالبانی در پی توسعه نفوذ طالبان در افغانستان این روند را تقویت کرد. همکاری‌های گسترده نظامی و سیاسی دو کشور به ویژه در فضای رقابت رو به گسترش با امریکا، برای هر دو کشور فرصت‌های خوبی را ارائه کرده است.

ابعاد گوناگون همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و روسیه، سبب گردیده تا علی‌رغم فشارها و اقدامات امریکا و ابراز نگرانی‌های اسرائیل این روند همچنان توسعه یابد. اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا علی‌رغم ابراز نگرانی‌های اسرائیل و تلاش‌های این کشور، روسیه روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران با علاقه و حساسیت گسترش دهد. این کشور برای بهره‌بردن از مزایای غیرقابل چشم‌پوشی این همکاری، عزم استوار خود را برای ادامه آن روشن ساخته است. تردیدی نیست که معیار اصلی این سیاست، تأمین منافع روسیه در چارچوب روابط با جمهوری اسلامی ایران است. منفعی که گستردگی و تنوع آن سبب شده، تا به طور اجتناب‌ناپذیری توسعه روابط با آن مورد توجه رهبران فدراسیون روسیه قرار گیرد. انطباق منافع دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز در محیط بین‌المللی این روند را تقویت کرده است.

یادداشت‌ها:

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، استالینسم و حزب توده ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، فصل نخست، بخش دوم.
2. Aryel Levin, "Israeli - Soviet Relations: The Legacy and the Expectations", *International Affairs* (Moscow), vol. 44, No. 6, 1988, p. 36.
۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، «روسیه، اسرائیل، جهت‌گیری‌ها و روابط»، مطالعات

خاورمیانه، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۰، صص ۷۱-۱۱۳.

۴. همان.

۵. همان.

6. Levin, *Op.Cit.*, p. 37.

7. Joseph. L. Nogee, *Soviet Foreign Policy*, New York: Pergamon Press, 1988, pp. 168-78.

8. Levin, *Op.Cit.*, p. 38.

9. *Ibid.*

10. *Ibid.*, p. 39.

11. *Ibid.*

۱۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، ریشه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، فصل دوم.

13. Irina Zviagelskaia, "Russia and the Middle East: Continuity and Change", *Iranian Journal of International Affairs*, vol. IV, No. 1, Spring 1992, p. 139.

14. Robert O. Freedman, "Courting Baghdad", *Middle East Insight*, March/April 1996, p. 51.

15. Igor Melikhov, "Russia and the Middle East", *International Affairs* (Moscow), No. 1, Jan. 1993, p. 62.

16. *Ibid.*, p. 67.

۱۷. ر.ک. زمینه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی، پیشین.

18. Robert O. Freedman, "Israel - Russian Relations Since the Collapse of the Soviet Union," *Middle East International*, Vol. 49, No. 2, Spring 1995, pp. 233-34.

19. *Ibid.*, p. 234.

20. Hannes Adomit, "Russia as a Great Power in World Affairs: Images and Reality", *International Affairs* (London), Vol. 71, NO. 1, Jan. 1995, p. 52.

21. Richard Herrmann, "Russian policy in the Middle East: Strategic Change and Tactical Contradictions", *Middle East Journal*, Vol. 48, No.

- 3, Summer 1994, p. 457.
22. Zviagelskaia, *Op.Cit.*, p. 140.
23. "Russia and Middle East", *Gulf Report*, No. 51, July 1995, p. 35.
24. *Ibid.*
25. Richard Herrmann, *Op.Cit.*, p. 457.
۲۶. ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶، صص ۶۹-۵۸.
27. Richard Herrmann, *Op.Cit.*, P. 457.
28. Robert O. Freedman, *Op.Cit.*, p. 51.
29. *Ibid.*, p. 52.
۳۰. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، پیشین، فصل دوم.
31. Russian Jewish Elits and Anti - Semitism, <http://www.ajc.org/pre/russian.htm>. p. 7.
32. *Ibid.*, p. 11.
۳۳. ر.ک. الهه کولائی، یهودیان روسیه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۱۳-۷۱.
34. Robert O. Freedman, "Israel - Russian Relations Since the Collapse of the Soviet Union, *Op.Cit.*, p. 234.
35. Natan Sharansky, "The Russian in Modern Israel", *International Affairs* (Moscow), Vol. 44, No. 6, 1988, p. 9.
36. Robert O. Freedman, "Israel - Russian Relations Since... *Op.Cit.*, p. 236.
37. Eyatan Bentsur, "The First Seven Years", *Internationa Affairs* (Moscow) Vol. 44, No. 6, 1998, p. 25.
38. *Ibid.*, p. 237.
39. *Ibid.*, p. 238.
40. *Jerusalem Post*, 23 August 1992, in: *Ibid.*
41. *New York Times* 20. Sep. 1992, in: *Ibid.*
۴۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، پیشین، فصل هفتم.
43. Richard Herrmann, *Op.Cit.*, p. 465.
۴۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، «تحول در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه»، مطالعات

- آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۸. تابستان ۱۳۷۶، صص ۳۸-۳۱.
45. *Izvestia*, 29 April 1994, in: Robert O. Freedman, *Israeli - Russian Relations... Op.Cit.*, p. 245.
46. *Peace Between the State of the Israel and the Hashemite Kingdom of Jordan* (Jerusalem: Ministry of Foreign Affairs, 1994), p. 53, In : *Ibid.*, pp. 245-46.
47. *Gulf Report*, *Op.Cit.*, p. 35.
۴۸. الکساندر گولتس، «در خاورمیانه شرکای جدیدی را جستجو می‌کنیم»، ستاره سرخ، ۵ دسامبر، ۱۹۹۵.
۴۹. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، «روسیه، غرب و ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴، صص ۹۴-۷۵.
50. David Kerr, "The New Eurasianism: The Rise of Geopolitics in Russia's Foreign policy, *Europe - Asia Studies*, Vol. 47, No. 6. 1995, pp.977-88."
51. Shireen Hunter, "Yevgeni Perimakov and Russian Foreign Policy", *Middle East International*, No. 521, March 1996, p. 18.
52. Stephen Blank, "Russia's Return to Mideast Diplomacy", in: *Ibid.*, Vol. 40, No. 4, Fall 1996, p. 518.
53. Irena Ertugrul, "Russia and the Middle East", *Middle East International*, No. 539, Dec. 1996, p. 16.
54. *Ibid.*
55. Stephen Blank, *Op.Cit.*, p. 510.
56. Petr Shelishch, "Duma - Knesset", *International Affairs*, (Moscow), Vol. 44, No. 6, 1988, p. 31.
57. Oksana Antonenko, "Russian's Military Involvement in the Middle East, *Meria Journal*, vol. 5, No. 1. March 2001. p. 12. http://www.biu.acil/soc/besa/meria_journal/2001/issue_1/jv_5nla3.
58. CRS Report for Congress, Oct. 10, 2000, Congressional Research Service, pp. CRS - 20, in: Antonenko, *Op.Cit.*
59. Blank, *Op.Cit.*, p. 524.
۶۰. سیدنی هایتمن، «مهاجرت از شوروی [سابق] در ۱۹۹۰»، ترجمه: فرشاد ملک احمدی، سیاست

خارجی، شماره ۱، بهار ۱۳۷۱، ص ۳.

61. Moshe Lissak and Eli Leshem, "The Russian Intelligensia in Israel: Between Ghettoization and Integration", *Israel Affairs*, Vol. 2, No. 2, Winter 1995, pp. 20-21.

۶۲. ر.ک. الهه کولائی، یهودیان روسیه، قبل و بعد از انقلاب اکتبر، مجله دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۳۶-۱۰۳.

63. Moshe Lissak and Eli Leshem, *Op.Cit.*, p.21.
64. *Ibid.*, p. 21.
65. *Ibid.*, p. 22.
66. *Ibid.*, pp. 26-7.
67. Natan Sharansky, *Op.Cit.*, p. 9.
68. Yevgenii Satanovskii, "Russian and Israel in the Century", *International Affairs (Moscow)*, No. 44, No. 6, 1998, p. 14.
69. *Ibid.*, p. 17.
70. Petr Shelishch, *Op.Cit.*, pp. 29-35.
71. *Ibid.*, pp. 30-31.
72. *Ibid.*, p. 31.
73. Etta Bick, *Sectarian Party Politics in Israel: The Case of Yisrael BaAliya, The Russian Immigrant Party.*
74. Hegumen Mark, "The Russian Orthodox Church in the Holy Land, *International Affairs (Moscow)*", Vol. 44, No. 6, 1998, pp. 81-2.
75. *Ibid.* p. 82.
- 76, 77. Natan Sharansky, *Op.Cit.*, p. 10.
78. *Ibid.*, p. 11.
79. V. Nichkov, "Prospects for Cooperation in Science and Technology", *International Affairs (Moscow)*, Vol. 44, No. 6, 1998, p. 46.
80. *Ibid.*, p. 47.
81. Yevgenii Satanovskii, *Op.Cit.*, p. 18.

۸۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، زمینه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی، و سیاست و

حکومت در فدراسیون روسیه، پیشین.

83. Yevgenii Satanovskii, *Op.Cit.*, p. 18.
84. Mikhail Shlusberg, "Promising Economic Potential", *International Affairs*, (Moscow), Vol. 44, No. 6, 1998, p. 51.
85. A. Konovalov, "High Technology in Russian and Israel", *International Affairs* (Moscow), Vol. 44, No. 6, 1998, p. 59.
۸۶. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، «روسیه، غرب و ایران»، پیشین.
87. Richard K. Herrmann, *Op.Cit.*, p. 745.
88. Bill Bradley, "Eurasia Letter: A Misguided Russian Foreign policy", *Foreign Policy*, No. 101, Winter 1995/ 96, p. 82.
89. Richard K. Herrmann, *Op.Cit.*, p. 455.
۹۰. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، پیشین. سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، سمت، ۱۳۷۶، فصل چهارم.
91. Irina Zviagelskaia, *Op.Cit.*, p. 140.
92. Robert O. Freedman, "Israeli - Russian Relations" *Op.Cit.*, p. 241.
93. "Iran's Relations With Central Asia and Russia", *Central Asia Brief*, Vol. 11, No. 8, August 1995, p. 13.
94. Irena Ertugrul, *Op.Cit.*, p. 35.
95. Ronald Dannreuther, "Russia, Central Asia, and the Persian Gulf", *Survival*, Vol. 35, No. 4, Winter 1993, p. 106.
96. Stephen Blank, "Russia's Return to Mideast Diplomacy", *Ibid.*, vol. 40, No. 4, Fall 1996, p. 531.
97. Stephen Blank, "Russia and Iran in a New Middle East," *Mediterranean Quarterly*, Vol. 3, No. 4, Fall 1992, p. 104.
۹۸. الن گرش، «روسیه به خاورمیانه بر می‌گردد»، سلام، شماره ۲۲۵۲، ۱۵ اسفند ۱۳۷۷، ص ۸.
۹۹. پیشین.
۱۰۰. «بررسی سیاست خارجی روسیه در برابر کشورهای منطقه و غرب»، مصاحبه با یوری کاشنف، کیهان، شماره ۱۶۰۰، ۱۹ مرداد ۱۳۷۶، ص ۷.
۱۰۱. پیشین.
۱۰۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی. سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، پیشین.
۱۰۳. کنستانتین شوالف، «روابط نزدیک با جهان اسلام پاسخگوی منافع روسیه است»، ابرار، شماره

۳۲۲۹، ۶ دی ماه ۱۳۷۶، ص آخر.

104. Oksana Antonenko, *Op.Cit.*, p. 5.
105. Statement by James Baker, *Washington Post*, 26 Oct, 2000, in : *Ibid*, p. 6.
106. RFE/ RL Newslite, Part 1, 27 Nov. 2000, in : *Ibid*.
107. Steve Rodan, "Secret Israeli Data Reveals Iran Can Make Missile in a Year" *Defence News*, Oct. 6-12, 1997, in: Stephen Blank, "The Spirit of Eternal Negation; Russia's Hour in the Middle East", *The Conflict Studies Research Center*, Nov. 1998, p. 22, in: *Ibid*.
108. *Ibid*.
109. The James Town Monitor (<http://jamestown.org/pubs/view/mon/0052-002.htm>), In: *Ibid*.
۱۱۰. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت فدراسیون روسیه، و سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، پیشین.
۱۱۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، «پیامدهای ژئوپلیتیکی بهره‌برداری از نفت دریای خزر»، راهبرد، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۶، صص ۳۶-۱۹.
۱۱۲. شینتامانی ماهاتیرا، «سیاننت ایالات متحده در قبال افغانستان»، ترجمه: ساناز طبرستانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۲۸-۱۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.
113. Robert, O. Freedman, "Russian - Iranian Relations in the 1990s", *Meria*, Vol. 4, No. 2, June 2000, p. 8, in: <http://www.biu.ac.il/soc/besa/Meria/Journal/2000/issues/ju4n295...>
۱۱۴. ر.ک. الهه کولائی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، پیشین، فصل هفتم.
۱۱۵. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الهه کولائی، بررسی تطبیقی منافع ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۷۲-۱۳۷۱.